

زندگی

ماهانامه تبدیل شده

سال چهارم شماره ۴۸ اکتبر ۲۰۰۹

۳ شفا، اراده و خواست خدا

بسیاری هستند که ایمانشان را روی فرد ایماندار دیگری می گذارند و آرزویشان این است که از طریق ایمان دیگران شفا بگیرند. این طریق خواست کامل خدا برای ما ایمانداران نیست.

۴ نکاتی برای یک سخنرانی عمومی موفق

۵ افزایش ۷ برابری جنین ها خیابانی ایران

۷ طبیب محبوب من

ما شنیده ایم که دو نفر از سندج به مهاباد آمده و قصد قتل سعیدخان را دارند بنابراین صلاح در این است از طریق مهاباد عبور نکنید. . وقتی با هم مشورت میکردند که از چه راهی بروند، ناگهان سعیدخان

۸ موفقیت در زندگی زناشویی

۹ قدرت عجیب یک کودک

مرضیه و مریم دو دختر از نسل استر، ملکه ایران

افتخار کلیسای فارسی زبان



با حمایت مالی خود ما را در چاپ ماهنامه تبدیل و تدویم آن یاری دادند.



با درود و سلامهای گرم خدمت یکایک شما عزیزان همراه و همگام ماهنامه تبدیل. خدا را شکر گزار هستیم که یکبار دیگر به ما این فرصت را داد تا از طریق چاپ شماره دیگری از ماهنامه در خدمت شما عزیزان باشیم. اگر چه تهیه



چنین ماهنامه ای آن هم به صورت مرتب، کار پندان آسانی نیست ولی آنچه ما را همواره تشویق و ترغیب کرده است محبت و حمایتهای شما عزیزان بوده است. فوشالیم که تا به امروز توانسته ایم رضایت خاطر بسیاری از شما عزیزان را برآورده سازیم. مطمئناً نظرات، پیشنهادات و حمایتهای شما عزیزان بسیار کارساز و مؤثر خواهد بود.

همانطور که بسیاری از شما عزیزان استفسار دارید، بیشتر از ۷ ماه است که دو هموطن توکلش مسیحی تنها بقاظر اعتقادات شفقی فور، دربن و اسیر زندانهای دولت ایران هستند. این موضوع در حالی رخ داده است که بسیاری از ملل و دولتهای جهان که به آزادی انتقار داند، باورهای شفقی را یک امر طبیعی انسان می دانند و هموطنان عزیز ما، مرضیه و مریم (عس روی ولد) هم طبق قانون بین المللی و حتی الهی از این امر مستثنی نیستند. آنها نه سیاسی بوده اند و نه به هیچ حزب و گروهی وابسته این دو دختر زیبا و بی گناه، تنها به این دلیل امروز زندانی هستند که عیسی مسیح را بعنوان نجات دهنده و رهبر خود پذیرفته اند.

پلونه چنین موضوعی که یک حق انتقار فصوصی و فردی است میتواند کلاه باشد؟ آیا مگر ما انسانها فرا هستیم که برای مردم تصمیم بگیریم؟

ما در ماهنامه تبدیل این فوغة غیرانسانی را محکوم و غیرعادلانه دانسته و از تمامی انسان دوستان و همزبانان عزیز درخواست میکنیم تا با ما یکدل شده برای آزادی این عزیزان و بسیاری از هموطنان دربن دعا کنند. همچنین بای دارد که به چنین شیر دفرانی که همپون استر، مکه ایران باستان، بر روی ایمان و باور خود ایستاده و هیچگونه سازشی را بقاظر فشنود کردن انسان نمی پذیرند، تبریک بگوئیم. مریم و مرضیه عزیز، شما باعث افتخار ما هستید. باشد که فدای استر، دانیال و کوروش ها پشت و پناه و نگه داران بوده، بزودی شما را برهانند. آمین

نس آتلس اکتبر ۲۰۰۹
الناتان باغستانی

نظرات خود را در رابطه با مریم و مرضیه به دفتر ماهنامه و به آدرس زیر ارسال نمایید تا در شماره بعدی آن را بطور رایگان درج نماییم.

ماهنامه تبدیل

مدیر مسئول: الناتان باغستانی

ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح

ویراستار: نازنین باغستانی

TEL: 818. 522.1525

Tabdil@IRANforCHRIST.com

www.SimaMasih.com

www.Tabdilmagazine.blogfa.com

Iran for Christ Ministries

P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA

ساخت منشور کوروش کبیر

کوروش دوم، بنیان گذار پادشاهی ایران و آغازگر سلسله هخامنشیان، پس از تسخیر بابل، در بابل تاج گذاری کرد و اعلام عفو عمومی داد؛ ادیان بومی را آزاد اعلام کرد؛ برای جلب محبت مردم میان رودان (بین النهرین)، مردوک که کهن ترین خدای بابل بود را به رسمیت شناخته، او را نایش کرد و سپاس گفت. او هیچ گروه انسانی را به بردگی نگرفت و سپاهیان را از تجاوز به مال و جان رعایا بازداشت. او تمامی کسانی را که به اسارت به بابل آورده شده بودند گرد هم آورد و منزلگاه آنها را به ایشان بازگرداند. کوروش همچنین قوم یهود را نیز از اسارت و بیگاری در بابل آزاد کرد. به دستور کوروش، شرح وقایع و دستورات وی روی یک لوح استوانه ای سفالین نگاشته شد به عنوان سنگ بنای یادبودی در پایه های شهر بابل قرار گرفت.

این سند به عنوان نخستین منشور حقوق بشر شناخته می شود و در سال ۱۹۷۱ میلادی، سازمان ملل آن را به شش زبان رسمی سازمان منتشر کرد بدلی از این منشور در مقر سازمان ملل متحد در شهر نیویورک نگهداری می شود.

معمای سنجش زمان

خبرگزاری فارس، این اکتشاف که به دست گروهی از حافظان محیط زیست در صومعه ای در جزیره/ایکولوم اسکاتلند رخ داد، به شناسایی بقایایی از یک ساعت خورشیدی باستانی انجامید که روی سطح عمودی دیوار حکاکی شده بود.



به گفته محققان، اینگونه ساعتها به دلیل نشان دادن زمان نسبتاً دقیق شانه روز، وسیله مناسبی برای راهبانی بودند که به زمان سنجی دقیق برای انجام کارهای خود در وقت مقرر نیاز داشتند. هیو موریسون، پژوهشگر مجموعه های تاریخی اسکاتلند گفت: ساعت های آفتابی قرون وسطی اختلاف بسیار زیادی از نظر نشان دادن زمان با ساعت های رایج امروزی داشتند. وی افزود: این ساعتها تنها در هوای آفتابی کاربری داشته و در زمان تغییر فصول یا آب و هوا، کارایی لازم را برای نشان دادن زمان درست نداشتند.

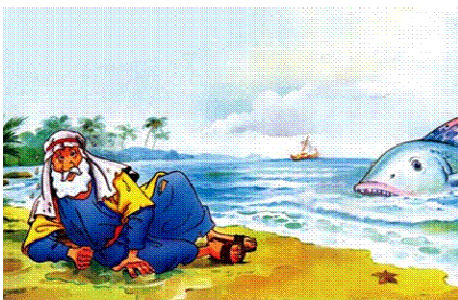
کشف سکه های زمان یوسف پیامبر

با کشف سکه هایی از دوره یوسف در مصر مشخص شد، فرضیه ای پیشین درباره نحوه تجارت مصریان نادرست بوده اند.

ایست، خبرگزاری دولتی مصر با بیان این مطلب نوشت، کارشناسان موزهی مصر در شهر قاهره در جریان بررسی گنجینه های این موزه، موفق به کشف مجموعه ای از سکه های تاریخی شدند که روی آنها، تصاویری از یوسف حک شده اند. براساس فرضیه های پیشین، تصور می شد در سالهای حکومت یوسف در مصر، استفاده از سکه برای معاملات رواج نداشته است و معاملات به صورت مبادله ای کالا با کالا انجام می شدند. با کشف این سکه ها معلوم شد، حدس های باستان شناسان درباره تصاویری از مصریان باستان که در آنها از زیورآلاتی به شکل سکه استفاده می کردند، نادرست بوده است و این زیورآلات، سکه های طلا بوده اند که برای نشان دادن ثروت افراد مورد استفاده قرار می گرفتند. یکی از باستان شناسان موزه قاهره، سکه های کشف شده را دارای کاربری های متفاوتی دانست و گفت، از آنها علاوه بر امور مالی، برای دور کردن جادو و بعنوان زیورآلات استفاده می شده است.

دختر کوچکی با معلم خود درباره نهنگها بحث می کرد.

معلم گفت: از نظر فیزیکی غیرممکن است که نهنگ بتواند یک آدم را ببعد زیرا با وجودی پستاندار عظیم الجثه ای است اما حلق بسیار کوچکی دارد. دختر کوچک پرسید: پس چطور حضرت یونس به وسیله یک نهنگ بلعیده شد؟ معلم که عصبانی شده بود تکرار کرد که نهنگ نمی تواند آدم را ببعد. این از نظر فیزیکی غیرممکن است. دختر کوچک گفت: وقتی به بهشت رفتم از یونس می پرسم.



معلم گفت: اگر یونس به جهنم رفته بود چی؟ دختر کوچک گفت: آنوقت شما از او پرسید.

یک روز دختری کوچک در آشپزخانه نشسته بود و به مادرش که آشپزی می کرد نگاه می کرد. ناگهان متوجه چند تار موی سفید در بین موهای مادرش شد. از او پرسید: ماما! چرا بعضی از موهای شما سفیده؟ مادرش گفت: هر وقت تو یک کار بد میکنی و باعث ناراحتی من می شوی، یکی از موهایم سفید می شود. دختر کوچولو کمی فکر کرد و گفت: حالا فهمیدم چرا همه موهای ماما بزرگ سفید شده!



۲۰۰۹ اکتبر

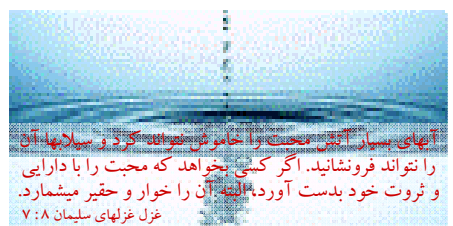
شماره ۴۸

سال چهارم

غلبه بر ترس

ترس چیزی نیست جز یک احساس و هیجان که آن را در ذهن خود می‌پرورانیم. و مشکل از آنجا شروع می‌شود که این احساسات و هیجانها بر زندگی ما اثر نا مطلوب می‌گذارند. ما از انجام بعضی کارها وحشت داریم چون می‌ترسیم با شکست مواجه شویم. این ممکن است بخاطر شکستهایی باشد که واقعاً در گذشته تجربه کرده‌ایم یا حتی واقعاً چنین شکستی را تجربه نکرده‌ایم ولی از این که ممکن است شکست بخوریم می‌ترسیم. بیشتر مواقع ما از چیزی می‌ترسیم که حتی یک بار با آن روبرو نشده‌ایم. آیا تأسف بار نیست؟ حقیقت این است که ما می‌توانیم انواعی از شکست‌ها را در ذهن خود تصور کنیم. آنگاه باور می‌کنیم این شکست‌ها به حقیقت خواهد پیوست و حتی برای رسیدن به هدف تلاش هم نمی‌کنیم. و همینجاست که دچار خطا شده‌ایم، چون به خاطر یک احتمال حتی از تلاش کردن می‌ترسیم. و موفقیت بدون تلاش و کوشش معنایی ندارد.

مارک توآین سخن جالبی در این زمینه دارد: من در زندگی خود سختهایی زیادی را تحمل کرده‌ام در حالی که تعداد کمی از آنها واقعاً رخ داده‌اند. منظور این است که بسیار از این مشقات در ذهن او بوده‌اند. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چه کسی می‌تواند واقعاً شکست و موفقیت را تعریف کند؟ آیا شما این کار را بدرستی انجام می‌دهید؟ آیا شما تعاریف دیگران از موفقیت را قبول دارید؟ هر چه تعریف شما از موفقیت سخنگوترانه تر باشد ترس بیشتری به آن اضافه کرده‌اید. پس اجازه ندهید تعاریفی که خود ساخته‌اید شما را محدود کند. بدتر از همه این است که به دیگران اجازه دهید تعاریف را برای شما بسازند. در عوض به کلام خدا نگاه کنید و اجازه بدهید تا افکار شما در این مورد تجدید شود.



شفا، اراده و خواست خدا



عیسی مسیح از طریق مصلوب شدن و برخاستن خود از مرگ بر تمام قوای شیطانی که علیه ما بودند پیروز شد و آنها را رسماً رسوا ساخت. وقتی مسیح از مرگ برخاست، شیطان را از تمام نیروهایش خالی ساخت. چون مسیح به جای ما مرد و همچنین به جای ما از مرگ برخاست، شیطان بر او هیچ قدرتی ندارد. در رساله به رومیان فصل ۶ آیه ۵ آمده است: زیرا اگر ما در مرگی

مانند مرگ او با او یکی شدیم، به همان طریق در رستاخیزی مانند رستاخیز او نیز با او یکی خواهیم بود. ما با مسیح در مرگ و قیامت او یکی شدیم. وقتی او بر شیطان پیروز شد، من با مسیح بر شیطان پیروز شدم و او را از تمام اسحه هایش خلع سلاح کردم. پیروزی مسیح بر شیطان، پیروزی من و شما است. پیروزی مسیح بر مرگ، مرض و فقر پیروزی من و شما است. مسیح این رهایی عظیم را برای همه ما ایمانداران فراهم کرده است. در رساله افسسیان فصل ۲ آیات ۶ الی ۸ میخوانیم: و به خاطر اتحادی که با مسیح داریم، ما را سرفراز فرمود و در قلمرو آسمانی با مسیح نشانید. تا ثروت عظیم و بی‌قیاس فیض خود را، با مهربانی نسبت به ما، در عیسی مسیح در زمانهای آینده نمایان سازد. زیرا به سبب فیض خداست که شما از راه ایمان نجات یافته اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خداست. وقتی در مسیح جای خود را پیدا می‌کنیم و از امتیازاتی که به ما به وسیله ایمان داده شده استفاده می‌کنیم آن وقت است که قدرت خدا را در زندگی مان، در بدن مان، در خانواده مان و امور مادی مان خواهیم دید. همان حیاتی که در مسیح بود در ما است. در انجیل یوحنا فصل ۵ آیه ۲۶ می‌خوانیم: زیرا همان‌طور که پدر منشأ حیات است، به پسر هم این قدرت را بخشیده است تا منشأ حیات باشد.

این حیات، حیات الهی و حیات ابدی است. این حیاتی است که در ذات خدای پدر و خدای پسر وجود دارد. عیسی خداوند در انجیل یوحنا فصل ۱۰ آیه ۱۰ فرمود: من آمده‌ام تا شما حیات (حیات الهی) بایید و آنرا به طور کامل داشته باشید. این همان حیاتی است که در خدای پدر وجود دارد، همان حیات هم در خدای پسر وجود دارد و بوسیله رابطه ما با او همان حیات هم در ما وجود دارد. در رساله اول یوحنا فصل ۵ آیه ۱۲ می‌خوانیم: هر که پسر را دارد، حیات دارد و هر که پسر خدا را ندارد، صاحب حیات (حیات جاودانی) نیست. پس شما میتوانید با جرأت بگویید: من مسیح را به عنوان خداوند خود قبول کرده‌ام، من پسر خدا و حیات الهی را دارم، همان حیاتی که در خدای پدر وجود دارد. من خلقت جدید هستم و من قدرتی که در مسیح بود وجود داشت را دارم. مطابق انجیل یوحنا فصل ۱۴ آیه ۱۲: ذات الهی در من است، من از خدا متولد شده‌ام. مطابق انجیل یوحنا فصل ۱ آیات ۱۰ الی ۱۲: ذات الهی در من است. همان قدرتی که مسیح را از مرگ زنده کرد، همان قدرت در من در کار می‌کند و اگر در من است به بدن فانی من حیات خواهد بخشید. (رساله رومیان فصل ۸ آیه ۱۱)

او که در ما است بزرگتر است از آنکه در دنیا است. (رساله اول یوحنا فصل ۴ آیه ۴)، من نیکی مطلق هستم. در رساله دوم قرنتیان فصل ۵ آیه ۲۱ می‌خوانیم: مسیح کاملاً بی گناه بود، ولی خدا به خاطر ما او را بی گناه شناخت تا ما به وسیله اتحاد با او مانند خود خدا کاملاً نیک شویم.

مسیح به خاطر ما گناه شد، او ذات ما را بر خود گرفت، او گناه شد تا ما بتوانیم نیکی مطلق خدا بشویم. نیکی مطلق به این معنی است که ما بدون داشتن وجدان مقصر و حس کمبود، این امتیاز و کفایت را داریم تا در حضور خدا بایستیم. مثل این است که هرگز از ما گناهی سر نزده باشد. مثل پاکی خود خدا! بعضی می‌پرسند؛ چطور امکان دارد که ما بوسیله نجاتی که مسیح برای ما روی صلیب در مرگ و در قیام خود مهیا ساخته است بی گناه محسوب شویم؟ وقتی مسیح گناهان ما را به خود گرفت، ما درد حضور خدا نیکی مطلق شدیم. در رساله رومیان فصل ۸ آیه ۱ آمده است: حال برای کسانی که در مسیح هستند هیچ محکومیتی وجود ندارد. با تمام این امتیازات که خدای پدر از طریق عیسی مسیح به ما عطا کرده، می‌توانیم با دلیری در حضور او باییم و تمام احتیاجات خود را از او دریافت کنیم.

عدد ۴

چهار مسیر بادی می‌باشد و بطور نمادین جهان یا زمین را نشان می‌دهد. برای مثال، ۴ فرشته خوب ایستاده در چهار گوشه زمین بازدارنده چهار باد ویران کننده زمین می‌باشند. ۴ فرشته شریر بسته شده بر رود بزرگ فرات، یک سوم مردم روی زمین را با ۳ بلی آتش، دود و گوگرد می‌کشند. اورشلیم جدید ۳ دروازه در هر ۴ طرفش دارد که مردم را از هر قومی روی زمین که از کلیسای مسیحی وارد می‌شوند نشان می‌دهند.

عدد ۶

۶ عدد انسان است. مهرششم، روزدوری نهایی بشر غیرنارم را آغاز می‌کند و ۶ جزء خلقت و ۶ طبقه از مردم شریر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عدد ۶۶۶ عدد دجال و پارتاش را نشان می‌دهد. درست همانطور که ۶ هرگز به ۷ نمی‌رسد، ۶۶۶ نیز به ۷۷۷ نمی‌رسد. دشمنان خدا همیشه سعی می‌کنند که شبیه خدا باشند اما همیشه شکست می‌خورند. عدد ۶۶۶ شکست روی شکست روی شکست. دجال و همه کسانی که او را پیروی می‌کنند را نشان می‌دهد که حاکی از شکست آنها در دستیابی به کمالی است که فقط خدا می‌تواند ببخشد.

یزدان پاک

چه خوشحالم که فرزند تو هستم
پدرجان، مست لبخند تو هستم
تویی آرامش روح و روانم
شفیع من، خداوندم، شیانم
بند گردان

زمن زانو به پیش تخت فیض
ببخشایم، که محتاج به رحمت
خداوندان، تویی تنها امیدم
تو نیکویی، چشیدم من چشیدم
پناه من به وقت بی پناهی
بود نام تو ای عیسی، الهی
بند گردان

تویی قدوسیت، قدرت، عدالت
الا، یزدان پاک و پُر محبت
فداکاری نمودی بهر فرزند
فدایت کردم ای عیسی، خداوند
بند گردان

مرا از روح خود سرشار فرما
ز جرم و معصیت، بیزار فرما
چنانم کن که مانند تو باشم
وفادارانه، در بند تو باشم
بند گردان

ساعت ۲۲:۵۵ دقیقه دانشگاه شب، ۵ بهمن ۱۳۸۷ خورشیدی - تهران - طبرستان

۱۵۲۵ - ۵۲۲ - ۸۱۸

Tabdil@IRANforCHRIST.com

P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA





بعد از مرگ چه رخ می دهد؟

کتاب مقدس صریحاً مشخص نکرده است که چه موقع شخص به سرنوشت نهایی و ابدی خود خواهد رسید. اما به ما می گوید که انسان، بعد از لحظه مرگ، بر مبنای اینکه آیا مسیح را به عنوان نجات دهنده پذیرفته است یا نه، به بهشت و یا به جهنم می رود. ایمانداران بعد از مرگ، از بدن غربت جسته و به نزد خداوند متوطن خواهند شد (دوم قرنتیان ۵: ۶-۸ و بی ایمانان، بعد از مرگ، خود را در جهنم و تحت عذاب ابدی خواهند یافت (لوقا ۱۶: ۲۲-۲۳). اینجا آن نکته گنج کننده مطرح می شود که بعد از مرگ چه اتفاقی رخ می دهد. مکاشفه ۱۱-۱۵، آنهایی را که در جهنم هستند چنین توصیف میکند که به دریاچه آتش انداخته خواهند شد. مکاشفه بابهای ۲۱ و ۲۲ از آسمان و زمینی جدید سخن میگویند. بنابراین اینطور بنظر میرسد که قبل از روز قیامت، مُردگان در بهشت و در دوزخی موقتی ساکن می شوند. سرنوشت ابدی شخص تغییر نخواهد کرد اما مکان دقیق سرنوشت ابدی او تغییر خواهد کرد. به عبارت دیگر، ایمانداران بعد از مرگ به آسمان و زمینی جدید منتقل خواهند شد (مکاشفه ۲۱: ۱) و بی ایمانان به دریاچه آتش انداخته خواهند شد (مکاشفه ۲۰: ۱۱-۱۵). این مقصد نهایی و ابدی همه مردم است مبنی بر اینکه آیا به مسیح به عنوان تنها نجات دهنده خود از گناهانشان ایمان آورده اند یا نه.

نکاتی برای یک سخنرانی عمومی موفق



اگر می خواهید پیام را به شکلی اثر بخش به مخاطبان منتقل کنید باید ارزشهای فرهنگی و عقاید آنها را مد نظر داشته باشید. آشنایی بیشتر با مخاطبان کمک می کند تا به راحتی با مخاطبان ارتباط برقرار کنید و آمادگی لازم را برای ارائه مطالب در خود بوجود آورید. در ساختار سخنرانی، پایان یک موضوع و آغاز موضوع بعدی را به وضوح مشخص کنید. آهنگ صدای خود را مرتب عوض نکنید، چون مصنوعی به نظر خواهد رسید. خلاصه کردن و جمع بندی اطلاعات در طول سخنرانی یکی از راههای موثر تقویت نکات مهم بحث است. فقط تکرار ساده اطلاعاتی که در متن سخنرانی ارائه کرده اید کافی نیست. برای تکرار مطالب از کلمات جدید استفاده کنید تا مطالب جدید و متنوع به نظر برسد.

در نظر گرفتن پایانی قوی برای سخنرانی به اندازه آغاز خوب اهمیت دارد با استفاده از علائم و اشارات، مخاطبان را از نزدیک شدن به انتهای سخنرانی آگاه کنید. از عباراتی مثل "به عنوان آخرین نکته" یا "در نتیجه" استفاده کنید.

به یاد داشته باشید نوشتن متن سخنرانی با شنیدن متنی که خوانده می شود متفاوت است. سعی کنید آن را به شکلی که با الگوهای طبیعی گفتاری مطابقت داشته باشد بنویسید. روشهای مختلف ارائه یک مطلب را پیدا و طبیعی ترین راه را انتخاب کنید. دستور زبان: از جمله هایی که در بیان تصنعی و خشک به نظر می رسند استفاده نکنید. از ضمائر (من و شما) و افعال معلوم استفاده کنید. ساختار: همیشه مهمترین و جالبترین مطالب را اول بیان کنید.

در انتخاب مطالب دقت کنید. کلیه نکات مربوط به موضوع سخنرانی را بنویسید، آن را اولویت بندی کرده و ترتیب آن را تعیین نمایید. برای تکمیل مطالبی که نوشته اید مثالهای مرتبط بیاورید. مطالب را به صورت زیر طبقه بندی نمایید: مطالبی که باید بدانند، مطالبی که بهتر است بدانند، مطالبی که بد نیست بدانند. در نهایت از مطالبی که جذابیت زیادی برای مخاطب دارند استفاده کنید. هرچند که ممکن است این اطلاعات اهمیت زیادی نداشته باشند ولی باعث می شوند که مخاطبان به خاطر شوخ طبعی و مزاح سخنران لذت بیشتری از صحبتهای وی ببرند. متن پیچیده باعث سر در گم شدن مخاطبان می شود. با توضیح بیش از حد مخاطب را گیج نکنید و فکر نکنید که مجبور هستید متن سخنرانی را کلمه به کلمه بنویسید. آهنگ سخنرانی خود را تنظیم کنید به صورتی که تاثیر بهتری داشته باشد. هر جا لازم باشد حرف خود را قطع کنید (مثلاً وقتی لازم باشد روی یک نکته تاکید کنید و باین دو نکته مشخص وقفه ایجاد کنید).

مکث های عملی سخنرانی باید حدود ۳ ثانیه طول بکشد، یعنی طولانی تر از مکث های عادی که در صحبت پیش می آید. متن سخنرانی را با حروف درشت روی یک طرف کاغذ بنویسید و صفحات متن کامل سخنرانی را شماره گذاری کنید. یادداشتهای خود را روی مقوا یا کارت بایگانی بنویسید. این یادداشتهای حاوی جمله ها و عبارت هایی هستند که در صورت فراموش کردن ناگهانی مطالب به کمک شما می آیند با استفاده از یادداشت میتوانی با مخاطبان صحبت کنید نه این که مطالب سخنرانی را از حفظ برای آنها بخوانید.

۱۵امه در شماره بعد...

فشار و سرکوب اقلیتهای دینی

پایگاه جنبش راه سبز گزارش میدهد، در آینده باید انتظار

فشار و سرکوب بیشتر بر روی اقلیتهای دینی را از حکومت داشته باشیم.

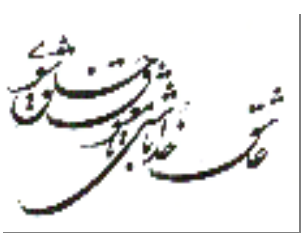
این گزارش می افزاید: حیدر مصلحی در سوابق سرمربی می داند هرگز باور ندارند این اسطوره خود نمایندگی ولی فقیه در مناطق اهل سنت و از تیم ملی فوتبال کشورشان اخراج شود. ریاست شورای برنامه ریزی مدارس علمیه اهل شکست خانگی آرژانتین برابر برزیل باعث سنت را عهده دار بوده است. جالب است که تحقیر فوتبال این کشور شده اما مردم *مارادونا* اکثریت اعضای شورای حکومتی برنامه ریزی را مقصر نمی دانند و به شدت از دست بازیکنانی برای مدارس اهل سنت، شیعه بوده اند. چون مسی و آخرو دلخور هستند.



برنامه نظام جمهوری اسلامی در چندین سال اکثر کشیش های بونیس آیرس با حضور در اخیر که حیدر مصلحی نیز یکی از عاملان اصلی کلیساها در کنار تندیس *مارادونا* برای موفقیت آن بوده است، در منگنه قرار دادن هر چه بیشتر این مربی دعا کردند. این در حالی است که طبق اهل سنت از طریق پیگیری سیاست های تفرقه یک نظرسنجی اکثر مردم با اخراج *مارادونا* افکنانه، تبلیغات متعصبانه مذهبی و دخالت های موافق بوده اند و باید روشن شود اکثریت مردم متعدد بوده است. هر ذهن عاقلی (حتی اگر لزوماً قشر ثروتمند و پایتخت نشین این کشور هستند معتقد به حقوق بشر نباشد) نتیجه چنین رفتارهایی که به کامپیوتر دسترسی دارند یا مردمی که *مارادونا* را برخلاف مصالح ملی میدانند اما ذهن متعصب را قسمتی از زندگی خود دانسته و در فقر مطلق حیدر مصلحی و یارانش نمیتواند جور دیگری به سر می برند. تیم *مارادونا* برابر برزیل و پیانیدیشد. برادران گمنام بسیجی در دوران

حضور مصلحی به عنوان نماینده ولی فقیه، بدترین بلاها را با هماهنگی وزارت اطلاعات بر سر دروایش گنابادی آوردند. از تخریب حسینه شان گرفته تا ضرب و شتم و بازداشت و تهدیدهای مکرر ایشان. قاعدتاً انتظار رفتارهای تندتری را باید از او که حالا وزیر اطلاعات می شود انتظار داشت.

وزیر پیشنهادی اطلاعات نه تنها ادعای انحصار کار اطلاعاتی در وزارتخانه خود را ندارد که خاضعانه از "هماهنگی" با سایر دستگاههای اطلاعاتی سخن میگوید. اگر روزگاری در دولت خاتمی گلابه های مکرر از فعالیت نهادهای موازی اطلاعاتی میشد (که البته یکی از آنها نهاد تحت نظارت مصلحی بود) قرار است وزارت اطلاعات با سایر نهادهای اطلاعاتی از سپاه و بسیج گرفته تا دفاتر نظارتی شورای نگهبان و حفاظت اطلاعات قوه قضاییه و غیره و غیره هماهنگ باشد و به قول مصلحی فقط "رقابتی برادرانه" با آنها داشته باشد.



اکتبر ۲۰۰۹

شماره ۴۸

سال چهارم

۴

بیش از ۷۰ فرقه شیطان پرستی در کشور

چندی پیش یک گروه تحقیقاتی نسبت به گسترش شیطان پرستی در جامعه هشدار و خبر داده بود که اکنون بیش از ۷۰ فرقه شیطان پرستی در کشور فعال هستند.

طبق گزارشی به نقل از جهان، شیطان پرستی اکنون در حال انتقال نمادها به جامعه است و بزودی به انتقال ایدئولوژی نیز خواهد پرداخت. بر پایه این گزارش، شیطان پرستان اکنون در دانشگاه‌ها و بین دانشجویان رخنه کرده و به اجرای برنامه‌ها از جمله کنسرت می‌پردازند.



شیطان پرستان، شیطان را بعنوان قدرت غالب در جهان میدانند و اگر کسی می‌خواهد در جهان خوب زندگی کند باید با شیطان باشد به طوری که

معتقدند راه خدا از طریق ارتباط با شیطان می‌گذرد اما نکته جالب توجه در این میان اینست که آنها از طریق تهیه فیلم و موسیقی، شیطان پرستی را ترویج می‌دهند و اکنون این موسیقی در میان تعدادی از جوانان دست به دست می‌شود مظهری سیف، نویسنده و جامعه شناس در این باره می‌گوید: ستاره پنج پر، دومثلث معکوس روی هم (ستاره دود، صلیب معکوس (ضد مسیحیت) و نشانه آتون خدای مصریان را از جمله نمادهای پیروان شیطان پرستی است. وی همچنین تأکید میکند: باید برای مقابله با این فرقه‌ها، موج فرهنگی در کشور ایجاد شود تا ماهیت این فرقه‌های انحرافی هر چه بیشتر به جامعه شناسایی شود. در همین حال یک مقام ارشد نیروی انتظامی می‌گوید: یکی از شرایط عضویت و پذیرش از سوی گروه‌های نوظهور شیطان پرستی، مصرف مواد مخدری بسیار قوی از جمله کوکائین، حشیش و قرصهای اکس است. وی تصریح میکند: دلیل استفاده این گروه‌ها از این مواد ورود به حالت خلسه برای انجام مراسمهای ویژه آنان است. این مقام انتظامی کشور خاطرنشان میکند: شیطان پرستی پدیده جدیدی در ایران نیست، چنانکه پیش از این نیز در برخی شهرستانهای کشور از جمله در یکی از شهرستانهای استان کرمانشاه، فرقه‌های شیطان پرستی رسماً اعلام موجودیت و فعالیت کرده بودند. این مقام نیروی انتظامی اظهار می‌دارد: بیش از ۹۰ درصد دستگیر شدگان در پارتی یک گروه شیطان پرستی در کرج که در قالب اجرای کنسرت برگزار شد، از نقاط مره نشین تهران بودند و البته پس از دستگیری شمار بسیاری از این شرکت کنندگان، مشخص شد که اکثریت قریب به اتفاق آنان، هیچ اطلاعی از ماهیت فعالیت شیطان پرستی و عوامل برگزار کننده این پارتی نداشتند و صرفاً به قصد شرکت در پارتی و مهمانی شبانه دور هم آمده بودند. اما یک آسیب شناس اجتماعی در مورد راههای جلوگیری از فعالیت گروههای شیطان پرستی گفت: آگاهی رسانی به جوانان و آموزش آنها درباره سرانجام شوم این حرکت ضد فرهنگی از طریق رسانه‌ها میتواند از گسترش حرکت آنها جلوگیری کرده و در صورت تداوم آنها را ریشه کن کند. از نظر تاریخی این گروه‌ها دارای سابقه ای طولانی در منطقه هستند و سابقه آن در کشورمان بویژه در مناطق شمال غرب به حدود ۴۰ سال پیش بازمیگردد.

برای خرید کتاب مقدس به زبان فارسی با ما تماس حاصل نمایید.

۱۵۲۵ - ۵۲۲ - ۸۱۸

آیا میدانستید که قطب شمال کمترین دمای جهان را دارد. میانگین دمای هوا در آنجا پنجاه و هشت درجه سانتیگراد زیر صفر است بعضی روزها حتی سردتر هم میشود.



آشنایی با شخصیتها و اسامی در کتاب مقدس



ال روی: خدایی که می‌بیند

این عنوان برای خدا تنها یکبار در کتاب مقدس از دهان هاجر و در زمانی که او و پسرش در بیابان در حال مرگ بودند بکار رفته است. (پیدایش ۱۶: ۱۳). درحالی که این تنها بار نیست که این نام عملاً مورد استفاده قرار گرفته است، اما این ایده را جای دیگر نیز می‌توان یافت، برای نمونه، دروغ لاابان و فریبکاری او از سوی خدا دیده شده بود (پیدایش ۳۱: ۱۰-۱۲) و خدا مصیبت قوم خویش را نیز در مصر دید. این نام در عین حال خبر از دانایی مطلق خدا می‌دهد.

www.SimaMasih.com

آزادی موقت بازداشت شدگان مسیحی



به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان، ۷ تن از نوکیشان مسیحی که در زندان اوین بسر می‌بردند، سرانجام هر کدام از آنان با سپردن ۲ سند خانه بعنوان وثیقه بطور موقت آزاد شدند.

این بازداشت شدگان عقیدتی که بدفعات از سوی مأموران امنیتی در مراکز اطلاعاتی در مورد عقاید و اعتقادات دینی شان تحت بازجویی قرار داشتند، پس از گذراندن ۳۲ روز در بازداشتگاه زندان اوین در مورخه ۱۱ شهریورماه ۱۳۸۸ (۲۰۰۹ سپتامبر) بطور موقت آزاد شدند.

مریم رازندی، اشرف امیدی، مهدی محمدی، مینا لک، نریمان شریفی، شاهین...، شهنام یارمحمدتوسکی؛ هویت شهروندان مسیحی است که در روزهای آینده از سوی مراجع قضایی، تاریخ و زمان دادگاه به ایشان ابلاغ خواهد شد. لازم به ذکر است، در تاریخ ۹ مرداد ماه سالجاری (۳۱ جولای ۲۰۰۹) مأموران نیروی انتظامی و امنیتی در یک اقدام هماهنگ و از پیش تعیین شده با هجوم به یک اجتماع از شهروندان مسیحی در منطقه‌ای در شمال تهران ۲۵ تن از آنان را بازداشت کردند. که پس از انجام بازجویی و گرفتن مشخصات کامل فردی ۱۸ تن از آنان را بصورت موقت آزاد، و ۷ نفر باقیمانده را برای بازجوییهای بیشتر به سلولهای انفرادی به زندان اوین انتقال دادند.

طبق گزارش این خبرگزاری همچنین در گزارشی از وضعیت ۴ تن از بازداشت شدگان در کلیسای خانگی در رشت که پیش از این در تاریخ ۷ مرداد ماه ۱۳۸۸ (۲۹ جولای ۲۰۰۹) توسط مأمورین امنیتی صورت گرفته بود حاکی است، این شهروندان مسیحی پس از دستگیری و انتقال آنان به بازپرسی دادگاه انقلاب در آنجا تفهیم اتهام (ارداد) شده و پس از یک هفته هر کدام از آنان با سپردن وثیقه ای به مبلغ ۲۰ میلیون تومان بطور موقت تا اعلام زمان برگزاری دادگاه آزاد شدند.

خواننده گرامی: آیا موضوعی در زندگی شما وجود دارد که احتیاج به دعای خصوص دارید؟ تیم دعای ما در ماهنامه تبدیل آماده خدمت به شما می‌باشند. از شما خواهشمندیم مطالب دعای خود را به ما ارسال کنید تا ما با شما متحد شویم.

تلفن: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ - ۸۱۸

Email: Tabdil@iranforchrist.com

P. O. Box: 371043

Reseda, CA 91337 USA

آدرس پستی:

افزایش ۷۰ درصدی جنین‌های خیابانی

خبرگزاری جهان گزارش می‌دهد، تنها تعداد جنین‌های سقط شده دارای HIV مثبت در گوشه و کنار خیابانها و سطل آشغالهای شهرداری در سال ۸۷ نسبت به سال پیش از آن ۷۰ درصد برابر افزایش یافته است. لازم به ذکر است این گزارش تنها مربوط به آمار سازمان بهداشتی است و همه موارد را شامل نمی‌شود. این در حالی است که آمار قابل توجهی از سقط جنین غیرقانونی در کشور گزارش می‌شود.



سقط جنین غیرقانونی که اغلب پیامد روابط نامشروع جنسی است را می‌توان از رونق بازار دلالان دارو و آمپول سقط جنین در ناصر خسرو حدس زد. بطوریکه

قیمت آمپول‌های سقط جنین طی چند

ماه اخیر افزایش قابل توجهی یافته است.

با این برخی گزارشهای غیر رسمی از بهزیستی حاکی از آن است که تعداد جنین یافت شده HIV مثبت یعنی ایدزی در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۶ رشد قابل توجهی یافته است که زنگ خطری برای مسئولین محسوب می‌شود. انتشار این اخبار تلخ اگرچه ممکن است موجب سوء استفاده برخی نااهلان شود، اما می‌تواند توجه مسئولین را به آسیب‌های اجتماعی زیرپوستی جامعه بیشتر جلب کند. به نظر می‌رسد دغدغه سیاسی دولتمردان فرصت توجه به این موضوعات اصلی را گرفته است.

بر کناری سفیر ۲۰ ساله ایران بخاطر گرویدن فرزندش به مسیحیت



سایت جهان اعلان کرد، بر کناری این سفیر با ۲۰ سال سابقه کارسفارت به این دلیل است که فرزند وی مدتی پیش به مسیحیت گرویده و در همان کشور باقی ماند. این مقام آگاه از ذکر نام سفیر و فرزندش و کشور محل اقامت آنان سخنی به میان نیاورد.

مهربانی در گفتار موجب اعتماد میشود، مهربانی در فکر محبت را عمیق میکند و مهربانی به صورت بخشش عشق می‌آفریند.



۱۵۲۵ - ۵۲۲ - ۸۱۸

Tabdil@IRANforCHRIST.com

P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA



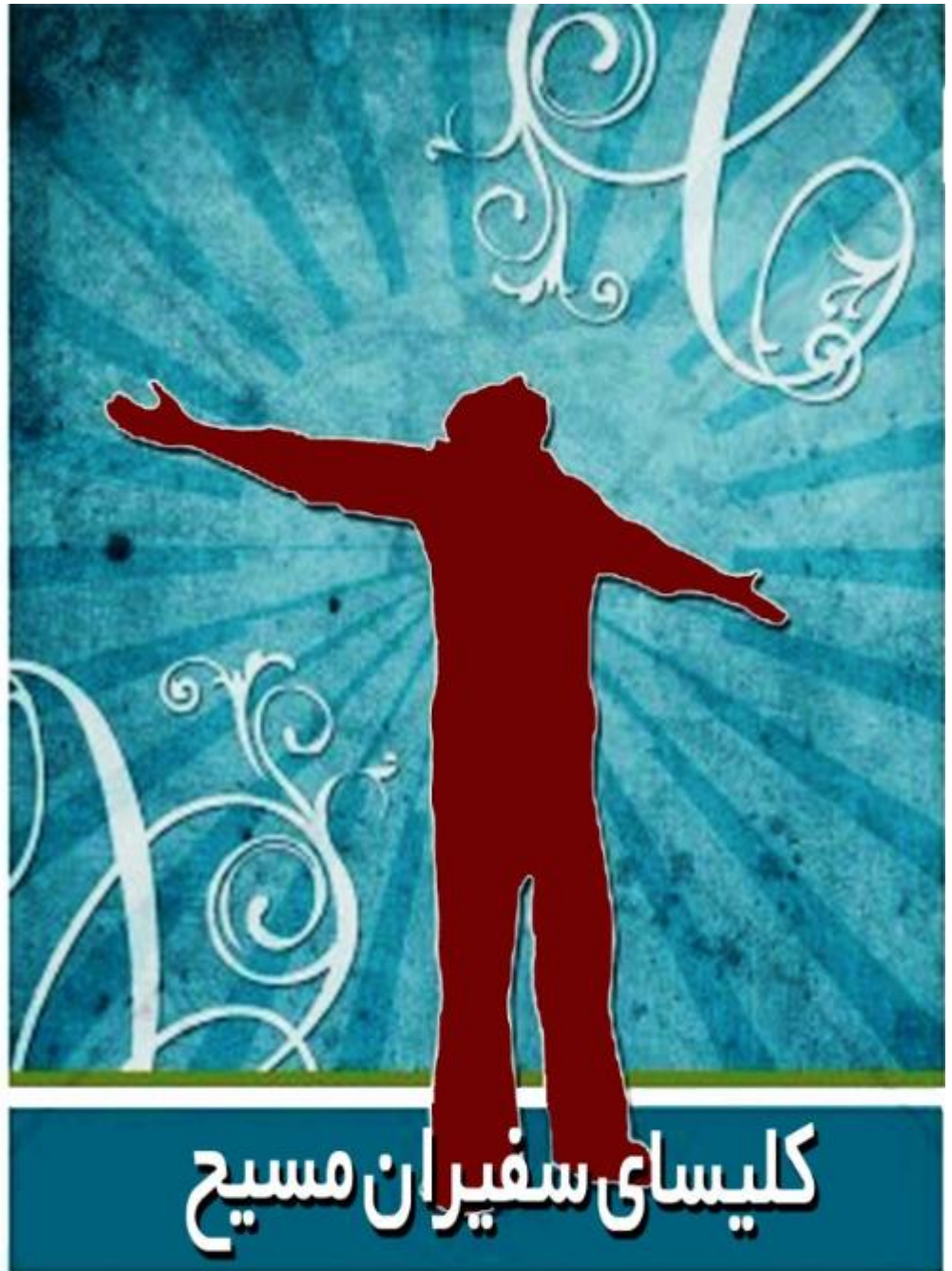
دعای پیروزمندانه

مقاله‌ای براساس کتاب خروج باب ۱۷ - ۸ - ۱۶
از مجله "رشد کلیسا" بقلم دکتر دیوید یونگی چو



کتاب مقدس میفرماید: هرگاه دو یا سه تن در نام مسیح گرد هم آیند، او در میان ایشان خواهد بود. و ما هم همینطور. بنابراین ما دعا میکنیم که خداوند هم اکنون ما را شفا دهد. همچون موسی، ما به تخت سلطنت او نگاه میکنیم و از خداوند میخواهیم که قدرت شفابخش خود را جاری سازد. مانند یوشع با مریضی میجنگیم و به آن تن در نمی دهیم.

عملیاتیهای بیماری فرار می کنند. شما شفا مییابید. هیچگاه مایوس نشوید. از عملیاتیهای بیماری نترسید، چون شما در مسیح پیروز هستید. عملیاتیهای بیماری، دشمنان شکست خورده هستند. همچون موسی دعا کنید. همچون یوشع بجنگید. شما چیره خواهید شد. شما پیروز خواهید شد. عملیاتیهای فقر و لعنت به شما حمله کرده اند: حقیقت را بپذیرید! قبول کنید که شما قوم برکت یافته هستید! پس ما باید چون موسی دعا کنیم، "خداوند، من از فقر و لعنتها نجات یافته ام. ای پدر، من یک شخص برکت یافته هستم. روزنه های آسمان را باز کن و برکات را جاری فرما." همچنین، مانند یوشع، باید به فقر و لعنت حمله کنید. شما باید بگویید، "فقر و لعنت، مرا ترک کن. من در نام عیسی مسیح پیروز هستم." هلولو! برادر و خواهر عزیز، من میدانم فقر یعنی چه. من در زمانیکه ژاپنیه، گره را اشغال کردند دنیا آمده، بزرگ شدم. نیروهای نظامی ژاپن به هر خانه ای وارد شدند. آنگاه ما توسط آمریکا آزاد شدیم و گره دوباره وارد جنگ شد و همه چیز در جنگ نابود شد. ما پناهندگانی بودیم که در پی یافتن چیزی برای خوردن، زمینها را میکندیم. ما در شرایط بسیار دشواری بودیم. غذا، لباس و جایی برای کمک گرفتن هم نداشتیم. آنگاه عیسی وارد زندگی ما شد! در گره، بیداری روحانی شد و ما به درگاه عیسی دعا کردیم. صبحهای زود دعا میکردیم. در طول روز دعا میکردیم. جلسات دعایی تمام شب داشتیم. به "کوه دعا" رفته، عیسی را بعنوان سر چشمه حیات پذیرفتیم. خداوند معجزه کرد و سال به سال ما را با فراوانی محصول برکت داد و صنعت کشور توسعه یافت. عیسی ما را بلند کرد. ما اکنون به وفور داریم، زیرا که عیسی، کره را ملاقات کرد و در قلبهایمان جا گرفت.



کلیسای سفیران و تازنین باغستانی



از شما فارسی زبانان عزیز دعوت به عمل می آوریم تا در جلسات عبادتی این کلیسا که هر یکشنبه ساعت ۳ بعد از ظهر برگزار می گردد، حضور بهم رسانید.

8000 - 681 (949)

www.SimaMasih.com info@IRANforCHRIST.com

Located @ Foothills Family Church

19432 Bake Parkway, (Lake Forest Dr.) Foothill Ranch, CA 92610

سرزنش آشکار از محبت پنهان بهتر است. امثال ۲۷: ۵



سال چهارم

شماره ۴۸

اکتبر ۲۰۰۹





نتایج جالب یک تحقیق درباره چشم چرانی

یک سوم از شرکت کنندگان در این تحقیق با همسر خود بر سر اینگونه نگاهها بحث داشته اند و یک نفر از هر ۱۰ نفر کارشان به جدایی از همسرشان کشیده است. هر مرد یک سال از عمرش را صرف نگاه به زنان می کند!

مردها به طور میانگین روزانه ۴۳ دقیقه را صرف خیره شدن به ۱۰ خانم مختلف می کنند که این میزان برابر با ۲۵۹ ساعت یا تقریباً ۱۱ روز در سال است که در فاصله بین ۱۸ تا ۵۰ سالگی بالغ بر ۱۱ ماه و ۱۱ روز می شود. به نوشته دیلی تلگراف، محققان دریافته اند که تنها این نوع مردها نیستند که جنس مخالف را ستایش می کنند بلکه خانمها نیز روزانه ۲۰ دقیقه را صرف نگاه کردن به ۶ مرد مختلف می کنند. مارک آربلند سخنگوی مرکز کوداک لنز ویزن که این نظرسنجی را انجام داده است، گفت:



مردها مشهور به نگاه کردن به خانمها هستند، اما جالب است بدانیم که آنها واقعاً چه مدت را صرف این کار می کنند. بطور کلی یک سال از زندگی مردان صرف قتل کردن چشموهای آنها بر روی جنس مخالف می شود. وی افزود: علاوه بر این زمان باید متوجه بود که مردان اگر بخواهند خانمی را تحت تأثیر قرار دهند حتی حاضر به رها کردن کار خود و توقف فعالیتهای کاری تا انجام این کار هستند.

این نظرسنجی بر روی ۳ هزار نفر نشان داد که سوپرمارکت مهمترین نقطه تبادل این نگاههاست. اما در حالی است که اکثریت مردان و خانمها از این که کسی به آنها نگاه کند، احساس مورد توجه قرار گرفتن میکنند، اما افرادی بیشتر دوست دارند به آنها نگاه نشود. مردها با ۱۹ درصد در برابر خانمها با ۹ درصد معتقدند از اینکه کسی به آنها خیره شود، احساس خوشحالی می کنند. ۱۶ درصد دختران از این کار احساس ناراحتی کرده و ۲۰ درصد نیز می گویند این کار آنها را خجالت زده می کند. بیش از ۴۰ درصد زنان چشم را اولین جذابیتهای دانسته اند که در نگاه اول به چشم آنها رسیده است، در حالی که همین تعداد از مردان معتقدند که چشم آنها در ابتدا مجذوب وضع کلی... خانمها می شود. یک سوم از شرکت کنندگان در این تحقیق با همسر خود بر سر اینگونه نگاهها بحث داشته اند و یک نفر از هر ۱۰ نفر کارشان به جدایی از همسرشان کشیده است. ۵ مکان مهمی که در آن مردان خانمها را زیر نظر دارند عبارتند از سوپرمارکت، مشروب فروشیها، کلوبهای شبانه، محل کار و مغازه ها و ۵ نقطه مهمی که در آن زنان مردان را زیر نظر دارند عبارتند از: مشروب فروشیها، مغازه ها، وسایل نقلیه عمومی، سوپر مارکتها و محل کار.



که با چشموهای اشکبار خداحافظی میکردند جدا شده بسوی منزل و مقصود خود حرکت کردند. در قریه شیانه، دکترها همان کشیش یوحنا شدند. روز یکشنبه بعد دکتر سعیدخان به سه دهکده مسیحی نشین سرکشی و ضمن سخنرانیها، مسیحیان را تشویق و نصیحت میکرد که در ایمان خود پایدار و غیور باشند. روز دوشنبه هر دو عازم سفر شدند. این آخرین دیدار سعیدخان از دوست محبوبش کشیش یوحنا بود که موجب نجات و رستگاری وی شده بود. قبل از آنکه دکترها رضائیه را ترک کنند آنها را بر حذر ساخته گفتند: ما شنیده ایم که دو نفر از سنجاد به مهاباد آمده و قصد قتل سعیدخان را دارند بنابراین صلاح در این است از طریق مهاباد عبور نکنید. وقتی با هم مشورت میکردند که از چه راهی بروند، ناگهان سعیدخان با یک لحن تند به رفیق خود گفت: تمام دیروز دهاتی های بیچاره را نصیحت میکردیم که به حمایت و قدرت خدا امیدوار و در ایمان پایدار باشند، اما حالا با این شک و تردید، عدم ایمان و اعتماد خود را ثابت میکنیم! پس مصمم شدند که از راه مهاباد بروند. قبل از ورود به شهر، قاصدی از جانب فرماندار که خود را یکی از دوستان سعیدخان میدانست به استقبال ایشان آمده و آنها را به منزل فرماندار دعوت کرد. اما سعیدخان ضمن عذرخواهی گفت: سلام مرا به او برسان و بگو فعلاً نمیتوانم خدمت برسم. آنها به منزل یکی از آشنایان بنام شموئیل رفتند. در این اثنا دو نفر از نوکران فرماندار با یک بره و مقداری خوراک لذیذ وارد شدند، و از قول فرماندار آنها را برای شام روز بعد در منزلش دعوت کردند. این دفعه دعوتش را پذیرفتند و در موقع مقرر به حضور فرماندار شرفیاب شدند. فرماندار به محض دیدن سعیدخان او را در آغوش گرفته رویش را بوسید و با هم صمیمانه احوال پرس و پرس کردند. پس از صرف یک غذای مفصل و مقوی به اطاق پذیرایی رفتند و میزبان، سعیدخان و دوستش را به عده ای از رجال و شخصیتهای عالی رتبه آن شهر معرفی کرد. عده ای از آخوندها که در آن ضیافت حضور داشتند علاقمند بودند دلیل مسیحی شدن او را از زبان خودش بشنوند. پس ترتیبی داده شد که روز بعد جلسه تشکیل شد. سعیدخان در حدود یکساعت از محبت خدا که بوسیله عیسی مسیح آشکار شده بود برای ایشان صحبت مینمود. از قضا آن دو نفری که بنظر می رسید که قصد قتل سعیدخان را دارند، در جلسه مذکور حضور داشتند. عده ای از مشاهده آنها نگران و ناراحت بودند. در پایان صحبت آن دو نفر از جای خود برخاسته آهسته آهسته به طرف سعیدخان رفتند. لحظات هیجان انگیزی بود. اهل مجلس در سکوت مطلق انتظار اتفاق ناگواری را میکشیدند. ناگهان آن دو نفر بجای کشتن سعیدخان او را در آغوش کشیده بوسیدند، زیرا دوست و همکلاس قدیمی بودند. روز بعد در حدود دوست نفر برای خداحافظی و بدرقه دکترها حاضر شدند. پس از چهار روز راه پیمانی به بیجار، آنجا که میبایست از هم جدا شوند و یکی بطرف همدان و دیگری به کردستان بروند، رسیدند. سعیدخان طی دو روز مسافرت هنگام ظهر که در آن موقع از روز غالباً مردم در خانه های خود می آرامیدند وارد همدان شد. چقدر خوشحال شد که پس از شش ماه دوری بار دیگر خداوند این فرصت را به او داد تا به کاشانه و نزد خانواده خود برگردد! مخصوصاً بچه ها از دیدن اسباب بازیهای که از رضائیه برایشان آورده بود از شادی در پوست خود نمی گنجیدند. اسباب بازیهای کوچکی نه فقط بچه ها را خوشحال میکرد، بلکه ریش سفیدان همسایه را نیز به هیجان می آورد.

۵۳

۱۵امه در شماره بعد...



کیلومترها راه در بیابان و ویرانه ها یگانه راهنمای آنها تیرهای تلگراف بود. یک روز وزش باد و ریزش برف چنان شدید بود که به زحمت توانستند در حدود دو کیلومتر راه را طی کنند. آب جوشیده در قمقمه دکتر یخ بسته بود. قهوه خانه های بین راه معدود بودند و از هم فاصله زیاد داشتند. ولی همین که به قهوه خانه ای میرسیدند، با نوشیدن چند استکان چای داغ گرم شده به سر حال می آمدند. سرانجام پس از توقف های زیاد، تجربیات ناگوار، و مبتلا شدن به بیماری برونشیت در تبریز که منجر به سینه پهلوی شدید گردید، بعد از هشتاد و نه روز به رضائیه رسیدند. در طول مدت مسافرت در شهرها، در دهات، و در کاروانسراها، سعیدخان در باره مسیح بشارت میداد و موعظه میکرد و با وجود خستگی سفر، با کمال خوشرونی بیمارانی را که به نزدش می آوردند معالجه میکرد. وقتی به دشت رضائیه که در زیر پوششی از برف قرار گرفته بود رسیدند و از میان دهکده های مسیحی نشین میگذشتند، شور و هیجان زایدالوصفی وجود سعیدخان را فرا می گرفت. ده سال پیش بود که برای اولین بار با زیبایی خیره کننده این ناحیه آشنا گردید و در منزل یک خانواده آشوری چون یکی از اعضای آن خانواده پذیرفته شد.

سعیدخان برخلاف دفعات پیش، این بار سعی داشت وقت خود را مخصوصاً بطور انفرادی با مردم صرف نماید. او قطعاً طالب اشتها و معروفیت نبود. بنابراین وقتی که دعوت مقامات کلیسایی را برای موعظه کردن رد میکرد دچار حیرت میشدند. همواره درصدد بود تا با مردم بطور انفرادی، پیر و جوان، مسلمان و یهودی اشراف زاده یا دهاتی تماس بگیرد. او برای همین بشارت انفرادی مقرر شده بود. سعیدخان از مسیحیان رضائیه تقاضا کرد که مبشرانی را به کردستان، آنجا که رفتن برای وی مقدور نبود، بفرستند. دکتر یسا یونان، برادر زن او، که همان موقع از آمریکا در رشته طب فارغ التحصیل شده و به ایران برگشته بود، به تقاضا و خواسته او جواب مثبت داد و حاضر شد برای تبشیر و ترویج مسیحیت به کردستان برود. پس هر دو آماده شدند تا سر دو راهی همدان و کردستان، جایی که راهشان از هم جدا میشد، با هم سفر کنند. از میان خویشاوندان و دوستانی



موفقیت در زندگی زناشویی



نویسنده: دیوید میس
مترجم: ط. میکائیلان
فصل پنجم



ممکن است عده‌ای تصور کنند که عشق و

محبت فقط عبارت از این است که دو نفری که عاشق یکدیگر هستند رویروی هم بایستند و دستهای یکدیگر را بفشارند و با عشق و علاقه در چشمهای یکدیگر خیره شوند. ولی هیچکس نمیتواند بلاانقطاع در چشمهای طرف خیره شود زیرا دچار ناراحتی چشم خواهد گردید! فراموش نکنیم که موضوعات دیگری هم هست که باید مورد توجه قرار گیرد.

تصویر بهتری که میتوانیم از این دو نفر ترسیم کنیم این است که در کنار یکدیگر باشند و با هم به هدف مشترکی که تعیین کرده اند نگاه کنند و بجای این که در جای خود ساکن بایستند به طرف هدف حرکت نمایند. عشق پایدار باید فعال و خلاق و دارای هدف باشد.

یکی از دانشمندان مشهور علوم اجتماعی معتقد است که هیچ ازدواجی نمیتواند به رشد کامل برسد مگر این که طرفین برای رسیدن به هدفی تلاش کنند که خارج از خودشان باشد و از خودشان و از رابطه ای که با یکدیگر دارند مهمتر محسوب شود. بدین طریق خلاق بودن محبت دارای اهمیت بیشتری میگردد زیرا در آن صورت بجای این که وسیله ای برای رشد ازدواج باشد، هدف اصلی آن خواهد بود. این هدف اصلی به قدری مهم است که زوجین برای رسیدن به آن حاضر خواهند بود حتی از خوشبهای شخصی خود صرفنظر نمایند. اکنون که سخن به اینجا رسیده است باید بدانیم که صحبت مربوط به ارزشهای معنوی یا روحانی است.

یکی از راههای تحقق این هدف در ازدواجهای معمولی این است که زوجین برای نگهداری و تربیت فرزندان خود متحد میگردند. شادی داشتن فرزند برای بسیاری از زوجین ابتدای خلاقیت محبت است. در تلاش برای سعادت فرزندی که با کمک یکدیگر به وجود آورده اند، زوجین در محبت یکدیگر رشد میکنند. این شادی تربیت فرزند عمیق تر و با دوام تر از هیجانات شبهای مهتابی در دوران نامزدی آنهاست. وقتی چشمهای پرویز و پروین به تختخوابی که فرزند آنها در آن خوابیده است دوخته میشود، آنها به محبت متقابل که بر اثر هدف مشترک در آنها به وجود آمده است پی میبرند. اکنون چیز دیگری، که غیر از خودشان میباشد، در زندگی آنها اولین جای اهمیت را دارد و یک امر واقعی است. معجزا داشتن فرزند بخودی خود نمی تواند باعث رشد محبت گردد.

ادامه در شماره بعدی...
۳۶

گردهمایی حمایت از زندانیان مسیحی در لندن

به گزارش خبرنگار شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان در لندن، روز شنبه ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۹ برابر با ۲۱ شهریور ۱۳۸۸، جمعی از مسیحیان ایرانی مقیم لندن برای آزادی "مریم و مرضیه" از زندان اوین، در مقابل سفارت ایران در لندن دور هم جمع شدند و یک روز را در روزه و دعا بسر بردند. افراد بسیاری از کلیساها و گروههای مختلف مسیحی با حضور و دعاهای خود این گردهمایی را حمایت کردند.

این گزارش حاکی است، افراد از کلیساها و سازمانهای مختلف از ساعتی پس از ظهر در بیرون ساختمان اصلی سفارت ایران تجمع کردند. در این گردهمایی بیش از ۱۰۰ نفر حضور داشتند که در پایان این گردهمایی کلیه شرکت کنندگان دادخواستی را خطاب به سفیر ایران در لندن برای حمایت از مریم و مرضیه امضا کردند.



به گزارش خبرنگار fcnm، در این مراسم که به طور خاص توسط بانوان مسیحی برنامه‌ریزی شده بود، تمامی افراد با پوشیدن لباس‌های سفید در دعاها و پرستش‌های خود یگانگی‌شان را در مسیح نشان دادند. این درحالی بود که حوالی ساعت ۵ بعدازظهر افراد بیشتری به این تجمع پیوستند که با روشن کردن ۱۸۷ شمع به نشانه ۱۸۷ روز اسارت "مریم و مرضیه" خیابان لندن را روشن ساختند و پرستش‌ها و دعا برای کلیه زندانیان مسیحی در آغاز شب بیشتر شد. پلیس از تمامی این گردهمایی راضی به نظر می‌رسید و به نظر چند تن از آنان این گردهمایی در نوع خود بی‌نظیر بود و تا کنون چنین جلسه‌دعایی در بیرون هیچ سفارتی برگزار نشده بود. تمامی مراسم آرام، با قدرت و با تمرکز زیاد بر دعا برگزار شد. برخی از عابران که از موضوع بی‌خبر بودند با دیدن تصاویر و نوشته‌ها اعلام داشتند که این موضوع را در فهرست دعاها کلیسایی خود اضافه خواهند کرد و با مسیحیان ایران در این خصوص متحد خواهند شد. این گردهمایی تلاش بر آن داشت که افکار عموم را بر زندگی و آزادی مریم و مرضیه متمرکز کند. برگزار کنندگان این مراسم از عموم مردم درخواست نمودند که برای آزادی مریم و مرضیه همچنان دعا کنند و تا آزادی کامل این دو هموطن از پا نایستند.

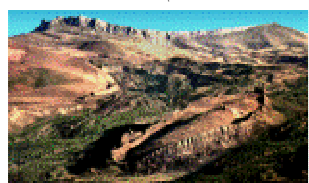
مریم و مرضیه در تاریخ (۱۵ اسفند ۱۳۸۷، ۵ دارج ۲۰۰۹) بخاطر اعتقادات دینی‌شان توسط تعدادی از افراد لباس شخصی و چندی از مأموران امنیتی در تهران بازداشت و با گذشت ۶ ماه همچنان در بازداشتگاه زندان مخوف اوین بسر می‌برند. همچنین روز (۱۸ مرداد، ۱۴۰۹ گریگوری ۲۰۰۹) نیز اولین دادگاه به‌منظور فهم اتهام این نوکیسان مسیحی برگزار گردید که رئیس جلسه از آنان خواسته بود تا ایمان مسیحی خود را هم به زبان و هم به طور مکتوب در حضور دادگاه انکار کنند، که مریم و مرضیه در پاسخ به این درخواست گفتند "ما ایمان و اعتقادات خود را انکار نخواهیم کرد."

خداوندا، من اعتراف می‌کنم گناهکار هستم. ایمان دارم که عیسی مسیح بخاطر گناهان من بر روی صلیب، جان خود را فدا نمود و بوسیلهٔ رستائیز از مردگان و غلبه بر مرگ، مرا در حضور تو عادل ساخت. من اکنون او را بعنوان نجات دهنده در قلب خود می‌پذیرم. آمین

نظریه‌ای دربارهٔ کشتی نوح

طبق گزارشی به نقل از ایسنا، طبق متون تاریخی حدود شش هزار سال پیش در چنین روزهایی، به مدت ۴۰ شبانه روز باران بارید. اکنون با گذشت هزاران سال، باستان‌شناسان به دنبال کشف شواهد جدیدی از این رویداد تاریخی هستند که از آن بعنوان طوفان نوح یاد میشود.

بر اساس بررسی‌های باستان‌شناسان ترک، مناطقی از استان سینوپ در شمال ترکیه بین پنج تا نه هزار سال پیش شاهد سیل بسیار عظیمی بودند. همچنین آنها مناطق احتمالی فرود کشتی نوح را که از آن بعنوان محل آغاز دوبارهٔ حیات انسانها روی زمین نام برده می‌شود، کاوش



کرده‌اند. حاصل این کاوشها، کشف ابزارهایی با قدمت چند هزار سال است که بیشتر آنها برای کشاورزی استفاده میشدند. هنوز بین باستان‌شناسان دربارهٔ محل احتمالی فرود کشتی نوح اختلاف نظر وجود دارد، زیرا بخش زیادی از باستان‌شناسان با استناد به کتاب مقدس و دیگر شواهد علمی، کوه‌های آرارات را محل فرود کشتی می‌دانند و برای اثبات ادعای خود به چند فرورفتگی در بخشی از کوه‌های آرارات استناد می‌کنند. با این وجود، تقریباً تمام کارشناسان به این امر معتقدند که محل فرود کشتی نوح در منطقه‌ای در شرق و شمال ترکیه بوده است. در شرایطی که از چند ماه پیش با آغاز فصل تابستان، کاوش‌های باستان‌شناسان برای کشف محل دقیق فرود کشتی نوح و کشف آثاری از این کشتی به مرحلهٔ جدیدی وارد شده‌اند.

روابط جنسی جوانان ایرانی

یک بررسی در سازمان ملی جوانان نشان می‌دهد که ۵۵ درصد جوانان با جنس مخالف خود ارتباط دارند.

طبق گزارشی به نقل از خبرنگار اجتماعی جهان، در این پژوهش ۷ هزار نفری از دختران و پسران مجرد ۱۵ تا ۲۹ ساله که به روش تصادفی انتخاب شده آمده‌است: ۳۰ درصد افراد نمونه فقط رابطهٔ دوستی را انگیزه خود از برقراری رابطه دانسته‌اند. حدود ۳۴ درصد انتخاب همسر و ۱۴ درصد نیز رابطه جنسی را دلیل دوستی برشمردند. ابراز محبت از جنس مخالف مهمترین عامل موثر در ایجاد رابطه دوستی تلقی شده است. ۴۳ درصد دخترانی که رابطه داشته‌اند بیان کردند که تنها بایک نفر رابطه دوستی داشته‌اند و ۵۷ درصد با بیش از یک نفر دوست بودند. این نسبتها برای پسران ۲۴ و ۷۶ درصد است. ۲۴ درصد از کسانی که با جنس مخالف ارتباط داشته‌اند بیان کرده‌اند که رابطهٔ آنان به آمیزش جنسی منجر شده است. در استانهای خوزستان و گیلان بیش از دیگر استانها این رابطه به رابطه جنسی منجر شده است. ۱۶ درصد از جوانانی که آمیزش داشته‌اند به حاملگی بعد از ازدواج اشاره کرده‌اند. این رویداد برای پسران در همهٔ سنین و برای دختران بعد از ۱۷ سالگی رخ داده است. در آمار خانواده‌نگاری بیش از ۱۵ درصد از جوانانی که ارتباط جنسی داشته‌اند، بین ۵۰۰ تا یک میلیون بوده است. در این گزارش آمده است که تبادل نگاه در حدود ۴۰ درصد آغازگر رابطه بوده است. همچنین ۴۰ درصد افراد خیابان را بعنوان مکان آغاز ارتباط با جنس مخالف اعلام کردند، نزدیک به ۱۵ درصد در میهمانی خانوادگی ۱۵ درصد دانشگاه و ۱۲ درصد پارک و بقیه، مهمانیهای دوستانه را اولین مکان ارتباطی با جنس مخالف دانسته‌اند.

ماهانمۀ تبدیل با پخش در بسیاری از مناطق فارسی زبان در آمریکا

با درخواست اشتراک و آگهی کار و خدمات خود، ما را در حفظ ماهنامه تبدیل یاری نمایید.

The Change Monthly Paper is Distributed to most of the Persian speaking community, and your monthly payment will help The Change paper to be more effective for the Persian speaking world.

Yes! I want to subscribe THE CHANGE \$30 for one year

Name _____
Address _____
City _____ State _____
Zip _____
Phone () _____

Please clip and return with payment to:
Iran for Christ ministries

P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA
Tabdil@iranforchrist.com

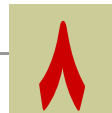
TEL: 818. 522. 1525 949. 681 . 8000
<http://www.iranforchrist.com/Tabdil.htm>



اکتبر ۲۰۰۹

شماره ۴۸

سال چهارم



شرارت ذاتی

مدتی است که کمتر نوشته‌ام و حوصله خود و همه را از این فقر عجیب که دامنگیر این خلوتگاه من شده است سر برده‌ام. اما خدا که در سخاوت و رحمت و فیض یکران است و مرحمتهای عاشقانه روح قدوسش دائماً در دلهای ما کار می‌کند و هر نوع لکه و درد و سکون را به تازگی و شفافیت و نور مبدل می‌سازد باز هم عطا کرد تا کلامی از او در میان بگذارم.

امروز از عزیزی ایمیل تشویق آمیزی گرفتم که جملاتی از متفکر و نویسنده فقیه معاصر سی/اس لوتیس بود که باعث برکت من شد و سر فصلی تا بر آن تأمل کنم و کمی بر حول و حوش آن چیزی بنویسم. قسمتی از این مطلب که به دلم نشست چنین می‌گفت: "تا زمانیکه سعی می‌کنیم در درون خود قلمرویی را حفظ کنیم که متعلق به خودمان باشد و نه به خدا در واقع سعی می‌کنیم که قلمرویی را به موت اختصاص دهیم."

مای بی او چیستیم جز خود پرستی و این خصیصه تمامی آدمیان است زیرا که همه ما در معصیت ذاتی گرفتار و اسیریم و تنها به معجزه روح القدس و تولد تازه در مسیح است که از این شرارت ذاتی خویش خلاصی می‌یابیم اما تا به موت با آن دست به گریبان خواهیم ماند و این تمامی قصه سلوک و تقدس مسیحی است. اینکه ما گناهکاریم نه برای این است که گناه می‌کنیم بلکه ما چون گناهکاریم گناه می‌کنیم و از اینروست که هر حوزه‌ای از درون ما که به ما و حتی اگر به همه هستی بدون خدا تعلق داشته باشد جز موت از آن زایلده نمی‌شود. این شرارت درونی فریادی در درون ما تولید می‌کند که می‌خواهیم آزاد باشیم، می‌خواهیم از این نا آرامی ذاتی خلاص شویم و از این رو در برون خود به جستجوی آن می‌پردازیم حال آنکه برون ما نیز جز مجموعه‌ای بزرگتر اما اساساً اسیر مثل ما چیزی نمی‌یابیم و تا پسر ما را از درون آزاد نکند اسیر خواهیم ماند. شاید از این روست که انسان دست به ساختن مذاهب و ایدئولوژی‌های تازه می‌زند تا که این التهاب درونی را مهار کند و این کاری است که آدمیان از روزی که بر پهنه هستی قدم گذاشته‌اند دائماً تکرار کرده‌اند. شخصی که خود را به مسیح می‌سپارد، در راز عمیق توبه این آزادی را برای اولین بار تجربه می‌کند اما سالک مسیح باید هر روز از این روزمرگی و نفس آزاد شود از این رو باید که هر روز قلب خود را امتحان کنیم و باید که هر روز توبه خویش و عهد خویش را با مسیح تازه کنیم و هر روز ببینیم که در آزادی مسیح از اسارت گناه گام می‌زنیم و یا تنها فکر می‌کنیم که آزادیم اما باز اسیر شده‌ایم.

جانت اژدهاست وی که مرده است

از غم بی آلتی افسرده است

آری اژدهای نفس چیزی نیست که یکبار که از اریکه قدرت در درون ما به پایین کشیده شد ما را برای همیشه ترک کند بلکه این انسانیت و دل بیمار تا به روزی که در مسیح و در آرامش ابدی او قرار نگیریم و به کمال نرسیم با ما پنجه در پنجه می‌ساید و گاه ما را به زیر می‌کشد. شرارت باطنی ما آنقدر نرم و آرام بر روح و وجود ما مستولی می‌شود که حتی ممکن است سالها با اینکه به مسیح ایمان آورده‌ایم در اسارت زندگی کنیم بی آنکه حتی بدانیم که اسیر خود و نفس و تاریکی شده‌ایم از این روست که هر روز باید دماسنج روحانی خود را چک کنیم و خویش را با آن انسان کامل و بره ذبح شده عیسی مسیح بسنجیم. معیاری که در آن هیچ تغییری نیست و او تا ابد همان است. چه دردناک است که گاهی مسیح را تنها خدای متعال می‌بینیم بی آنکه انسانیت پر ارزش او را مد نظر قرار دهیم همویی که بعنوان نماینده بشریت و آدم ثانی اطاعت را به کمال رسانید و آنچه آدم در آن قصور ورزیده بود را با فروتنی و زندگی مقدسش در نزد پدر جبران نمود و برای ما آدمیان منشاء و مقتدا و سرمشق کامل تقوا و اطاعت شد.

مارا تا نا - خداوند ما بیا
کیوان



راههای به دست آوردن آرامش

شاد کردن دیگران، موجب آرامش می‌شود. نمی‌دانید چه لذتی دارد پول رستوران امشب را با توافق سایرین به یک کارتن خواب هدیه دهید. قدر دانی کنید. گاهی لباس یا طرحهای کودکانه پوشید. چنین کاری یادآور روزهای شاد زندگی است. تفاوت میان فرو دست و فرادست، در نگرشها است. فرادست کار خود را مهم می‌داند و با خشنودی که از این طریق فراهم می‌شود به آرامش دست می‌یابد. هنگامی که بحث و تعارض کار را مشکل می‌کند، به سادگی از بحث دوری گزینید و آن را به زمانی دیگر موکول کنید و از آرامشی که می‌توانید بدان دست یابید شگفت زده شوید.

مجال انتخاب و انجام دادن بسیار است، آنچه انجام شدنی نیست فراموش کن. هر چه بیشتر گذشت داشته باشی، در انجام تمرینهای آرام بخش توانا تر خواهی بود. با گذشت بیشتر، تشویش زندگی را کمتر کنید. خوش خو باشید و با خوی خوش سخن بگویید. خوش خویی بیشتر، آرامش بیشتر. جویای تغییر باشید و از داوری مهربانید. گشاده رو و تن آرام، تغییر را بپذیرید. در گریستن، از نظر جسمی و روحی آرامشی است. به هنگام تنش به کاری دیگر بپرداز. جایی بایست که غالباً نمی‌ایستی؛ جایی بنشین که به عادت نمی‌نشینی؛ به گونه‌ای بیندیش که تا کنون نمی‌اندیشیدی. به باورهای الهی بپرداز، بی تردید یکی از آرامش بخش ترین رفتارها، روی آوردن به پرستش و عبادت است. افراد آرام دائم به خود می‌گویند که برای تغییر گذشته کاری نمیتوان انجام داد پس باید از ادامه زندگی لذت برد. حداقل روزی ۱۵ دقیقه را راز گاهان داشته باشید و به آنچه که می‌خواهید در زندگی به دست آورید در کلام خدا فکر کنید. هنگامیکه احساس می‌کنید ذهنتان پر از افکار گوناگون است و هیچ جای خالی در آن وجود ندارد با قدم زدن سعی کنید ذهن خودتان را خالی کنید و افکار مسیح را جایگزین سازید...

ادامه در شماره بعد...

ماهنامه تبدیل، در خدمت جامعه فارسی زبان

خواننده گرامی؛ چنانچه مایل هستید، شما میتوانید نسخه چاپی کتاب مقدس فارسی را در این وب سایت مطالعه فرمائید. www.SimaMasih.com



تا ابد همان است. چه دردناک است که گاهی مسیح را تنها خدای متعال می‌بینیم بی آنکه انسانیت پر ارزش او را مد نظر قرار دهیم همویی که بعنوان نماینده بشریت و آدم ثانی اطاعت را به کمال رسانید و آنچه آدم در آن قصور ورزیده بود را با فروتنی و زندگی مقدسش در نزد پدر جبران نمود و برای ما آدمیان منشاء و مقتدا و سرمشق کامل تقوا و اطاعت شد. در آخر اینکه روی سخن ما تو پروردگار و منبع راز و نیازم مسیح است که: ای خدای من و ای انسان و ولی زنده من عیسی مسیح عادل ما را هر روز از اقبانوس معرفت خویش سیراب کن و خطاهای ما را ببخش و دل ما را به عشق خودت مشتعل کن. ای منجی و نجات من، تو ما را به شباهت خویش آفریدی پس ما را از درون آزاد بساز و قلب سرکش ما را در اطاعت پدر آسمانی مطیع گردان چنانکه تو تا به موت صلیب مطیع شدی. ای روح القدس عزیز تمامیت ما را از آن خود بساز و بگذار که لذت از تو پر شدن در را به روی هر چه غیر توست ببندد و ما را در مشارکت و امنیت قلب پدر آرام سازد.

چرا مارادونا با خودش جادوگر برده بود؟

خبرگزاری فارس، روزنامه آسانسیون یک روز پس از شکست یک بر صفر آرژانتین برابر پاراگوئه نوشت: جای تعجب است مارادونا بعنوان سرمربی تیم ملی، به جای رفع ضعف و مشکلات تیم ملی، به سحر و جادو متوسل شده است. این



روزنامه افزود: در دنیایی که همه رویدادهای آن براساس منطق شکل می‌گیرد، در فوتبال تیم‌های موفق می‌شوند که بتوانند بر مشکلات شناسایی شده فنی خود غلبه کنند، اما وی به عنوان مسئول تیم، از مدتها قبل، نقاط ضعف را میداند. با این وجود به سراغ جادوگر می‌رود تا بلکه از این طریق به نتیجه برسد. در کنار این روزنامه، دیگر مطبوعات این کشور آمریکای لاتین نیز از داشتن افکار خرافی سرمربی تیم آرژانتین و به همراه بردن یک جادوگر به آسانسیون، مرکز پاراگوئه انتقاد شدیدی کرده‌اند. قهرمان جهان در سال ۱۹۷۸ و ۱۹۸۶ در ادامه مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی، در خانه پاراگوئه تن به شکست یک بر صفر داد تا پس از شکست خانگی ۳ بر یک برابر برزیل، باز هم ناکام بماند و شانس صعودش به پیکارهای مهم سال آینده کاهش یابد.

انتشار کتابی براساس لغت "درخت" در انجیل

خبرگزاری فارس - سایت گلوب نیوز وایر با بیان این مطلب نوشت، در کتاب انجیل ۳۵۴ بار به لغت "درخت" یا "درختها" اشاره شده است. از این تعداد حدود ۲۳ بار مسیح این لغت را خود در کتاب مقدس بزرگان آورده است. این آمار بر اساس آخرین تحقیقات در بریتانیا مشخص شده است. این نویسنده که مارک گافنی نام دارد، کتاب خود را بر اساس این لغت به رشته تحریر درآورده است. او در این کتاب بسیاری از سخنان، جملات و آیات انجیل را نقل و بررسی میکند. این نویسنده قصد داشته است تا مخلوقات خدا را به تصویر بکشد و همچنین معانی مختلف هر لغت درخت را تفسیر کند. این نویسنده می‌گوید: با خواندن این کتاب خواننده نه تنها معنی هر لغت درخت را درک می‌کند بلکه مخلوقات خدا را نیز با تمام وجود حس می‌کند. او معتقد است در وجود هر مخلوقی راز و رمزی نهفته است که نیاز به تحقیق و بررسی دارد.





کلیساهای ایران

کلیساهای پروتستان

از قرن نوزدهم و با ورود هیئت مبشری از انگلیس و آمریکا به ایران، فرقه پروتستانی به جامعه مسیحیان سنی معرفی شد و از آنجائی که هدف اول مبشری در ایران، جوامع سنی مسیحی و بعضاً یهودی بود، بیشترین تلاش آنها صرف تغییر مذهب این جوامع می شد. این مبشرها توانستند با فعالیت های گسترده، چندین شاخه پروتستانی در ایران ایجاد نمایند. در زیر به اهم این شاخه ها اشاره می شود:

- کلیسای انجیلی ایران (مشایخی)

اعتقاد این کلیسا بر پایه اصول عقاید کالوین بنا گردیده و پیروان آن معتقدند که عیسی مسیح بر حسب پیش گویی های عهد عتیق از مریم باکره متولد و سپس مصلوب و مدفون شد. آنها معتقدند که وی روز سوم از میان مردگان برخاست و بعد از چهل روز به آسمان رفت و مجدداً رجعت می نماید. آنها همچنین به روز رستاخیز و داوری و روح القدس اعتقاد دارند. کلیساهای انجیلی در ایران سه زبان عبادتی جداگانه دارند و که هر یک از آنها دارای تشکیلات کلیسایی مخصوص به خود هستند، این سه گروه عبارتند از:

الف - کلیسای انجیلی آشوری زبانان ب - کلیسای انجیلی ارمنی زبانان ج - کلیسای انجیلی فارسی زبانان

سه جمعیت فوق، هر کدام شش نماینده تعیین می کنند و این کلیسا زیر نظر یک شورای هجده نفره که عالی ترین مرجع کلیسای انجیلی است اداره می شود. این جامعه جمعیتی قریب به پنج هزار نفر دارد و در کل کشور صاحب ۱۴ کلیسا است.

- کلیسای اسقفی ایران (انگلیکان)

دایره اسقفی که فعالیت خود را از قرن نوزدهم در ایران آغاز کرد، به خدای واحد حقیقی، پدر، پسر و روح القدس، تولد مسیح از مریم باکره، مصلوب شدن و قیام مسیح از مردگان و صعودش به آسمان و بازگشت دوباره او، روزه داری، وجود گناه و لزوم توبه به نام عیسی مسیح و تعمید اطفال اعتقاد دارد. جمعیت پیروان این کلیسا حدود ۸۰ نفر است آنها سه کلیسا در شهرهای اصفهان، تهران و شیراز دارند.

- کلیسای جماعت ربانی (پنطیکاست)

این کلیسا در سال ۱۹۵۸ در ایران تأسیس شد و از همان ابتدای امر به شورای عمومی جماعت ربانی ایالات متحده امریکا وابسته بود. این کلیسا به تکلم به زبان های آسمانی اعتقاد دارد. این تکلم را نشانه تعمید به روح القدس میدانند. این جمعیت دارای ۳ کلیسا در تهران است و صاحب بعضی از اجتماعات محدود در منازل خود می باشد.

کلیسای ادونتست های روز هفتم ایران

این کلیسا در سال ۱۹۱۱ در ایران تأسیس شد و پیروان آن فرقه ای از مسیحیان پروتستان هستند که روز هفتم را تعطیل می کنند و در ضمن با کلیسای انجیلی در ایران همکاری نزدیک دارند. پیروان این کلیسا به تعلیم کتاب مقدس و ده احکام و بازگشت زودرس عیسی مسیح اعتقاد دارند و خود را برای این بازگشت بزرگ آماده می سازند و این آمادگی را در دوری از پلیدها، حفظ و حراست روح و جان و دوری از گوشت ناپاک و مشروبات الکلی و دخانیات و اجتناب از گفتار ناپسند و ناشایست می دانند. این کلیسا در ایران توسط یک شورای دینی اداره می شود و دارای شش کلیسای فعال و غیر فعال است.



سال چهارم

شماره ۴۸

اکتبر ۲۰۰۹

قدرت عجیب یک کودک

جمعیتی عظیم، مردی را در خیابان می بردند، بازوهای مرد با ریسمان بسته شده بود. مرد، بلند قد و راست قامت بود، سرش را بالا گرفت و همچون پادشاهی گام برداشت از سیمای باوقار آشکار بود که او مردمی را که احاطه اش کرده بودند تحقیر می کرد و از آنان متنفر بود. جمعیتی که با ابراز تنفر فریاد می زدند: به او شلیک کنید. بکشیدش، همین الان! گلویش را ببرید. او جنایتکار است. بکشیدش! او افسری بود که، در جریان شورش مردم، از حکومت جانبداری کرده بود. اکنون مردم او را گرفته بودند، و برای اجرای مجازات او را می آوردند. مرد با شگفتی به خود گفت: اکنون چه کاری می توانم بکنم؟ خب، هیچکس برای همیشه پیروز نمی شود. هیچکاری نمی توانم بکنم. شاید زمان مرگ من فرا رسیده است. شاید این سرنوشت من است. با وجود آنکه ناامید بود، با خونسردی شانه هایش را بالا انداخت و لبخندی سرد به اسیر کنندگاناش زد. فریادها ادامه یافت. مرد شنید که فردی می گوید: خودش است. همان افسر است. همین امروز صبح بود که او به طرف ما تیراندازی می کرد. "جمعیت با بی رحمی به جلو فشار آوردند، و او را به جلو بردند. وقتی آنها به خیابانی که از اجساد مردگان دیروز پُر شده بود آمدند، اجساد هنوز در پیاده روها انباشته شده و توسط سربازان دولت حفاظت میشد. جمعیت خشمگین شدند. چرا منظر مرگناپذیر؟ بکشیدش. زندانی روی درهم کشید و سر خود را بالاتر گرفت. جمعیت او را تحقیر کردند، اما او بیشتر از آنچه آنها از او متنفر بودند، از آنها متنفر بود. چند زن با هیجان شدید فریاد زدند: بکشیدش. همه شان را بکشید. جاسوسها را بکشید. رؤسا را. وزرا را. اراذل را. همه شان را بکشید. اما رهبر جمعیت اصرار داشت تا او را جلوتر ببرند، درست پایین میدان شهر، جاییکه قرار بود جلوی چشمان تمام جمعیت کشته شود. آنها خیلی از میدان شهر دور نبودند هنگامی که، در یک سکوت بی سابقه، گریه گوشخراش کودکی از پشت جمعیت شنیده شد: پدر... پدر. پسر بچه شش ساله ای از میان جمعیت فشار آورد تا به زندانی نزدیک تر شود. پدر. آنها می خواهند با تو چه کنند؟ صبر کن، مرا با خود ببر، مرا ببر. داد و فریادهای مردم خشمگین در نقطه ای که کودک بود متوقف شد، جمعیت از هم جدا شدند تا به او اجازه ی عبور بدهند، گویی کودک کنترل عجیبی بر روی مردم داشت. زنی گفت: نگاهش کنید. چه پسر بچه دوست داشتنی. کودک فریاد زد: پدر... من می خواهم با پدرم بروم. چند سالته، بچه؟ پسر جواب داد: با پدرم چه می کنید؟ یکی از مردان از داخل جمعیت گفت: برو خونه، پسر. برو پیش مادرت. اما افسر صدای پسرش و آنچه را که مردم به او گفتند، شنیده بود. چهره اش غمگین تر شد، و شانه هایش در میان ریسمان هایی که او را بسته بود پایین افتاد. او در جواب مردی که چند لحظه پیش صحبت کرده بود فریاد زد: او مادر ندارد. پسر خود را از میان جمعیت به جلو کشید. سرانجام به پدرش رسید و از بازوهای او بالا رفت. جمعیت به فریاد زدن ادامه داد: بکشیدش. او را دار بزنید. این ردل را بکشید. پدر پرسید: چرا خانه را ترک کردی؟ پسر گفت: آنها می خواهند با تو چه کنند؟ گوش کن، از تو می خواهم که کاری برای من بکنی. چه کاری؟ تو کاترین را می شناسی؟ همسایه مان؟ البته. پس گوش کن. بدو، برو پیش او بمان. من خیلی زود به آنجا می آیم. پسر ک گفت: من بدون تو نمی روم، سپس شروع به گریه کرد. چرا؟ چرا نمی روی؟ آنها می خواهند تو را بکشند. آه نه، این فقط یک بازی است. آنها فقط دارند بازی می کنند. زندانی با مهربانی پسرش را از خود جدا کرد و خطاب به مردی که جمعیت را رهبری می کرد گفت: گوش کن، هر طور و هر موقع که می خواهی مرا بکش، اما این کار را در حضور فرزند من انجام ندهی، و به پسر اشاره کرد. برای دو دقیقه هر باز کنی و دستانم را بگیرد و به فرزندم نشان دهد که شما دوستان من هستید و قصد هیچ گونه صدمه زدن را ندارید، بعد از این او ما را ترک خواهد کرد. پس از آن... پس از آن می توانید دوباره مرا ببینید، و مرا هر گونه که می خواهید بکشید. رهبر جمعیت موافق بود. سپس زندانی با دستان خویش پسر را گرفت و گفت: پسر خوبی باش، حالا، فرزندم، برو پیش کاترین. اما تو چی؟ من خیلی زود در خانه ام، کمی بعد، برو، پسر خوبی باش. پسر به پدرش زل زد، سرش را به یکطرف کج کرد سپس به طرف دیگر.

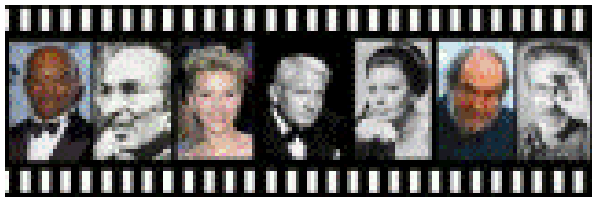
برای مدتی فکر کرد. تو واقعاً به خانه می آیی؟ برو پسر، من می آیم. می آیی؟ و پسر از پدرش اطاعت زنی او کرد. را به بیرون جمعیت راهنمایی کرد. اکنون پسر رفته بود. زندانی نفس خود را فرو برد و سرانجام گفت: من آماده ام اکنون می توانید مرا بکشید. اما پس از آن چیزی رُخ داد، چیزی غیر قابل توصیف و دور از انتظار... در یک آن، وجدان همه آن جمعیت بی رحم و نامهربان که وجودشان مملو از تنفر بود بیدار شد. یک زن گفت: می دانید چه شده؟ بگذارید او برود. دیگری با او همراه شد: خداوند در مورد او قضاوت خواهد کرد. بگذارید برود. دیگران نیز زمزمه کردند: آری بگذارید برود. بگذارید برود. و بلافاصله تمام جمعیت برای آزادی او فریاد می زدند. افسر آزاد شده و سر بلند. که چند لحظه پیش از آن جمعیت متنفر بود شروع به گریه کرد. دستانش را بر روی صورتش گذاشت. و سپس، مانند فردی گناهکار، به سوی جمعیت دوید، و کسی او را متوقف نکرد.

گرچه "خشم" پاسخ طبیعی و موجه در برابر ناپرابها، صدمه دیدنها یا مورد هر ظلم و خشونی قرار گرفتن است و این احساس بخشی از احساسات واقعی بشر است، اما عواطف انسانی و گذشتی که از محبت حاصل شود نیز حقیقتی است که بشر همواره آن را محترم شمرده است...



گردآوری: عمانوئیل پورمند





توپهای سن سباستین

فیلم "توپهای سن سباستین" محصول سال ۱۹۶۸ به کارگردانی هنری ورنیو و بابازیگری آنتونی کوئین و چارلز برانسون است.



اوج بود و نزول نداشت. او بطور بسیار گیرایی در بطن کاراکتر فرو می رود و چنان بازی از خود به نمایش می گذارد که ما با دیدن فیلم دیگر کاراکترهای او را فراموش میکنیم و او را در این لباس بخاطر میاوریم. او با آن هیکل تنومند و با آن خنده های جالب خود همیشه در ذهنها ماندگار است. موسیقی فیلم هم اثرانیو موریکونه مشهور است.

دوبله بسیار قوی و ماندگاری را دارد و یک از تکیه کلام های فیلم، آنجایی که کشیش مورد اصابت گلوله قرار گرفته است و بعد از اینکه آنتونی کوئین ضارب را می گیرد و او را می زند، رو به کشیش می کند و می گوید: پدر، این پدر نمی خواد حرف بزنه. خلاصه این که دیدن فیلم آن هم با بازی آنتونی کوئین خالی از لطف نیست.

زندگی چیست؟

زندگی خالی است آن را پر کن
زندگی مشکل است با آن روبرو شو
زندگی یک معادله است موازنه کن
زندگی یک معما است آن را حل کن



زندگی یک تجربه است آن را مرور کن
زندگی یک مبارزه است قبول کن
زندگی کشتی است با آن دریانوردی کن
زندگی یک سوال است آن را جواب بده
زندگی یک موفقیت است لذت ببر.
زندگی بازی است برنده و پیروز شو
زندگی هدیه است آن را دریافت کن
زندگی دعا است آن را مرتب بخوان
زندگی یک دوربین است سعی کن با
صورت خندان و شاد با آن
روبرو بشی....



۱۵۲۵ - ۵۲۲ - ۸۱۸

Tabdil@IRANforCHRIST.com



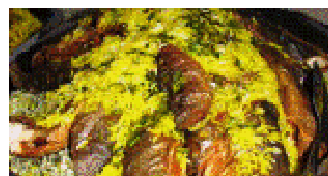
مطمئن باشید که می توانید ببخشید. نباید در مقابل اتفاقاتی که در زندگیمان می افتد مقاومت کنیم. اطمینان کنید، تسلیم شوید و اجازه بدهید که برایتان پیش بیاید. امیالتان را به اهداف تبدیل کنید. برای همه آنچه که دارید و همه اتفاقاتی که برایتان می افتد شکر گذار و قدردان باشید چون هر تجربه شما را دانایتر و قوی تر خواهد کرد. دست از مقصر کردن دیگران بردارید. وقتی باورتان این باشد که دنیا باید بر وفق مراد شما بچرخد، همه چیز برایتان سخت می شود. "او درست به من خبر نداد"، "او به من کلک زد"، "ذکره بی دقت بود" "او به من خیانت کرد" - به نظر میرسد اینها کاملاً صادقانه باشند. اما در واقعیت، فقط عدم اعتماد ما را در کامل کردن این جهان و دامن زدن به این باور باطل که نه اصول بلکه شانس، فرصت طلبی و بیقانونی در این جهان حکمرانی میکند و همه مردم می توانند مطمئن باشند که تا وقتی به خوبی حيله بازی و نیرنگ کنند می توانند راهشان را پیش ببرند. مسئولیت پذیر باشید. عصبانیت را دور بریزید. آنها را حس کنید و بعد از خودتان بیرون کنید. آنچه که هست را همانطور بپذیرید و آنرا باطوری که فکر می کنید باید باشد مقایسه نکنید. شروع به دادن کنید. یادتان باشد هروقت و هر چیزی که به دیگران بدهیم، آنرا به خودمان داده ایم. دادن بخشش را آسانتر میکند. وقتی تصمیم بگیریم بخشش کنیم، تمرکز ما به سمت دادن معطوف می شود تا توقع داشتن. هر چه بیشتر به چیزهایی فکر کنید که باید متعلق به شما می بود اما به خاطر سوء نیت دیگران از شما گرفته شده است، بیشتر اینجور اتفاقات را به سمت زندگیتان میکشانید. تظاهر نکنید. ما گاهی اوقات تصور میکنیم بخشش کرده ایم بدون اینکه بدانیم خشم و تفر هنوز در ناخودآگاه وجود ماست. درواقع، بخشش واقعی یعنی هیچوقت نیاز به بخشیدن را احساس نکنید.

واکنش های خود را بشناسید. بیشتر اوقات ما روی محرکهایمان تمرکز میکنیم نه واکنش هایمان. اگر به جای محرکها روی واکنشمان متمرکز باشیم به جایی می رسیم که واکنشها و عاداتهایمان را تحت کنترل خود در می آوریم و در نتیجه می توانیم آنها را حل کنیم. اعمال دیگران را بپذیرید. این چهار فضیلت را باید همیشه به ذهن داشته باشید: یک احترام، دلسوزی و توجه به آنها که در انجام مسئولیتی که نسبت به ما داشته اند شکست خورده اند، دوم دوستی، بدون تمایل به تملق و سوء استفاده، سوم همدلی، و نه دلسوزی نسبت به فقیران و چهارم شادی نه حسادت نسبت به انسانهای والا از لحاظ معنوی. دشمنانتان را دوست بدارید. تدریجاً این کار را همیشه و در مقابل همه به کار گیرید. خود را ببخشید.



(4 servings)
Ingredients:
4-8 filets of White fish.
1 large onion.
1 & 1/2 medium lemons
1/2 (4 Oz.) cup all purpose white flour.
1 table spoon curry powder (optional).
1 table spoon turmeric (Zard Chooobeh).
A touch of salt and black pepper.
1 cup (8 Oz.) of milk.
1/2 cup (4 Oz.) of cooking oil.

Directions:
Slice the bell pepper, onion, and the whole lemon and set aside. Mix flour, curry powder, turmeric, salt and pepper together. This mixture should have a light orange color. If it is too white, increase the amount of curry and turmeric equally. Pour the milk in a bowl. Pour the cooking oil in a frying pan, put the heat setting to medium, spread the slices of lemon, onion and bell pepper and fry for a few minutes. Dip the pieces of fish in the milk, sprinkle thoroughly with the



flour mixture and place in the frying pan on med-low heat. When one side is brown, turn over and squeeze the 1/2 lemon juice over them. Dipping the pieces in milk before frying prevents them from breaking apart. This is optional. Flipping the filets several times, before one side is completely brown, prevents curling. If you prefer a more zesty taste and are adventurous, add a few slices of Jalapeno peppers while frying.



از شما دعوت می کنیم تا از
وبسایتی ما دیدن فرمائید:

www.IRANforCHRIST.com

www.SimaMasih.com

www.TabdilMagazine.blogfa.com



THE CHANGE

Magazine

Levels of CHANGE

Kamran Karimi

We are called by God to call out of others and ourselves what God sees in us. How you see yourself will be who you will become.

When Jesus said, you can know the Truth and the Truth will set you free, He was not saying when you get your doctrine right and you get your theology all worked out and begin to do them, you become a good Christian. What Jesus was saying was, when you get the Truth about how God created you and the Truth about who He is, begins to settle into the deep places of your heart, it will begin to release you to become who you were created to be from the very beginning of time.

Freedom is not about what we are letting go of but it is about who we are becoming.

When day after day you become more and more transformed into the image of the one who you were created in the first place, you can know the Truth and the Truth will set you free. This blueprint is not mainly about us in following theological and doctrinal statements but it is about the power of God and the Kingdom of God getting into places of our being where we don't seem to be able to go ourselves with our own abilities and opening up those chambers that the enemy has locked up through our past negative experiences.

I mentioned that our identity was divided from the rest of our being because of sin. Let's define sin so we can better understand what happened to us. I have learned that when we define sin incompletely, we deal with it incompletely.

Most people think of sin as a behavior. If we define sin at the level of behavior, two subtle mistakes occur.

A. We simply try to please God by changing our behavior.

As an example at this place, you say I won't smoke, I won't drink, I read my Bible more and before you know it you are a Pharisee. What do I mean by that is that I have stopped all the wrong things and done all the right things but my heart is just as cold and hard as it has ever been. You cannot behave your way out of sin problem. You cannot change your action enough to be free because your action is not what has you in bondage.



B. We have a tendency to receive God's solution for only part of the problem.

In other words, God has a solution that is complete, but if we apply the complete thing to a partial problem, we are still trapped. God's solution to sin is Jesus' death and resurrection. He died to forgive us and to cleanse us of our sin and He came back to life to give us power over sin. If you define sin as a behavior problem, then what happens is that you apply Jesus' death and resurrection to your behavior. This is applying the whole solution to a

part of the problem, because behavior is only the symptom of sin and it is not sin. If you only apply the solution to the symptom the root is still there and intact. A fully biblical view of sin recognizes that sin is not just a behavior issue. Sin is more accurately understood as an identity issue.

For example, if the blueprint for car is just right, but the engine is not in it, it is still not a complete car. God designed you to be the representative of His nature but what happened at the fall of man in the Garden of Eden, the thing that makes you able to represent His nature was removed from you. So there is something wrong at the very core of who we are. Sin is better described as a problem of who we are than what we did. It is easier to deal with what we did than who we are. It is much harder to say there is something wrong with me. It is hard on our pride to say deep down in our core there is something rotten and dead, or something is just not right.

Example: If you turn off everything that you use to occupy and numb you (Your TV, Cell Phone, Ipod, Music, etc.), you will recognize something is just not right in your heart. You will recognize the lack of peace, that there is something broken about you. THAT IS SIN! It is not sinful to feel that way but you can recognize that is sin.

One meaning of the SIN means WITHOUT. Sin means that you are without and empty of the Presence of God. If the Spirit of life is not in you then the spirit of death is! What I am saying is that unless SIN is removed from our being we are dead inside. To deal with sin you have to treat the whole problem and not just part of it. The rich young ruler and the woman caught in adultery had the same sin issue. They were not just bad behaving people but they were trying to fill their emptiness. One thought that money was the solution to his death and the other thought that sex was the solution to her death and both of them were looking for life and contentment they didn't have.

To be Continued



(Islamic Republic of Iran)

Days Imprisoned: **222**

On March 5, Marzieh Amirzadeh Esmaeilabad and Maryam Rustampoor were arrested by Iranian security forces and labeled "anti-government activists," (FCNN).

Thirty year-old Marzieh and 27-year-old Maryam are being held at Evin Prison, which is notorious for treating women badly. "Both women are allowed just a one-minute telephone call everyday to their immediate families. Both are unwell and in need of urgent medical attention," FCNN reported. During their last call on March 28, Marzieh said that she was suffering from an infection and high fever. She said, "I am dying." Marzieh and Maryam's apartment was searched and their belongings were confiscated. "Their only crime is that they are committed Christians who follow the teachings of Jesus," FCNN added. "They are being unfairly labeled as 'anti government activists' because of the hostility of the government towards practicing Christians." The women have reportedly been interrogated numerous times and were held in three different police detention centers before being sent to Evin Prison. FCNN reported an exorbitant bail amount of US\$ 400,000 has been set even though Marzieh and Maryam's families have been told on numerous occasions that a judge is not available to discuss the case. Marzieh and Maryam's arrest is the latest incident highlighting increased government intimidation of Christians in Iran. Believers are subjected to surveillance, arrests, imprisonment, and sometimes torture. Meanwhile on Aug. 8, Marzieh and Maryam were summoned to an Iranian court and ordered to deny their faith verbally and in a written statement. Praise God, they stood firm and replied, "We love Jesus. We will not deny our faith." They have been sent back to Evin prison.

Pray And Fast For IRAN

Iran has long played a leading role in the Islamic world. These days it is at the centre of a global crisis that could easily lead to war, deep political turmoil and economic chaos. We need to fall on our knees and pray that God, in His mercy, will intervene.

The Change Magazine

Tabdil@iranforchrist.com
www.Tabdilmagazine.blogfa.com
www.SimaMasih.com

TEL: 818. 522. 1525

P. O. Box 371043
Reseda, CA 91337 USA